

# درس‌هایی که از ۱۷ شهریور باید آموخت

اعلام گردید .  
دولت شریف‌امامی که پسر از سقوط دولت آموزگار بر سر کار آمد ، میخواست با اجرای یک سلسله فرمهای جزئی از قبیل انحلال اتاق اصناف ، وام به کشاورزان ، مجازات برخی ایادی رژیم ، مذاکره با روحانیون و . . . جنبش توده‌های رابها نحراف کشاند و جلوی رشد

روز هفدهم شهریور ما یادآور خاطره شکوهند دلاوریهای خلق و جنایت‌های وحشیانه رژیم دیکتاتوری شاهو اربابان امپریالیست است . دو سال پیش در چنین روزی تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم تهران در میدان شهدا توسط ارتش و گارد مسلح شهربانی به گلوله بسته شد . نزدیک چهار هزار تن شهید شده‌ها هزار زخمی شدند . از فردای این کشتار وحشیانه در تهران و یازده شهر دیگر حکومت نظامی

و تکامل آنرا سد نماید . شریف‌امامی برای فریب توده‌ها بدلیل آنکه جنبش پیش از پیش رو رنگ مذهبی بخود گرفته بود ، به مذهب متوسل شد . او خود را مسلمان خواند و دستور تعطیل کارینوها ، قمارخانه‌ها و غیره را صادر کرد و ندا

صفحه ۹

## سرمقاله

### مبارزه ضد امپریالیستی از حرف تا عمل

جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن ما روزهای حساس و دشواری را میگذراند . سالهاست میهن ما تحت سلطه جا بزانها امپریالیسم و سیاست‌های غارتگرانه و راهزانه آن قرار داشته است و توده‌های مستعبد میهن ما از ستمی دوگانه رنج برده‌اند . ستم و استثمار سرمایه‌داری را ندانند و حتی وانحصارات امپریالیستی اما از همان هنگام که امپریالیسم جامعه ما را به یک نیمه مستعمره تبدیل نمود ، مبارزات خلقهای میهن ما علیه این سلطه ادامه یافته است و علیرغم تمام فرازونشیب‌ها ، هر بار ریزش توان ترا گذشته علیه امپریالیسم و پیاپی گاه‌ها خلقی آن اوج گرفته است .

مبارزه سالهای اخیر که منجر به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه شد ، بی‌شک نگرمرحله‌ای تازه در رشد مبارزات ضد امپریالیستی و آگاهی سیاسی توده‌های میهن ما است . خطری که امروز همانند گذشته این جنبش را تهدید میکند از سوی نیروهای سازشکار روخیانت‌پیشه ای است که میکوشند از راه انحراف بکشانند . دشمنان جنبش توده‌ای و مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن ما برای فرونشاندن مبارزه و انحراف آن بشیوه‌های بس‌ریا کارانه

صفحه ۲

### هشدار جمهوری اسلامی به سرمایه‌داران !!

هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ایران بالاخره تحت فشار اپور تونیستها سر برآه شد و به سرمایه‌داران هشدار داد !!  
"معاون اشتغال و بهروری وزارت کار و امور اجتماعی در مصاحبهای "نحوه" را ماندازی صنایع متوقف شده" را اعلام نمود و در این رابطه به "مالکین واحدهای تولیدی" را کد "هشدار داد که هر چه سریعتر بر سر کار خود بازگردند!  
با اندکی تأمل و با پیگیری مسیر حرکت‌های اخیر حاکمیت در رابطه با برآه انداختن چرخهای

صفحه ۸

### درباره "ملی‌گردن" تجارت خارجی

قلاشی دیگر برای حرکت دادن سرمایه  
قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل چهل و چهارم خود پیش‌بینی کرده بود که تجارت خارجی باید در اختیار بخش دولتی قرار گیرد . مادر نوشته‌های خود بویژه در نبرد خلق شماره ۱ ماهیت این اصل را در شرایطی که مناسبات سرمایه‌داری حاکم است ، نشان دادیم . گذشت زمان و پیرا تیک جمهوری اسلامی نیز تا حد زیادی ماهیت اجرا و عملی شدن این اصل را با ثبات رساند . اکنون پس از گذشت نزدیک به یک سال مقدمات اجرای این بخش از اصل ۴۴ فراهم میشود .

حال یک بار دیگر ببینیم که این دولتی‌گردن تجارت خارجی که عوام‌فریبان و اصلاح‌طلبان رنگارنگ از جمله حزب توده "کمیته مرکزی" سعی دارند آنرا "ملی‌گردن" بنامند و مدام از حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیستی شان! می‌خواهند که هر چه زودتر آنرا عملی کنند ، چه هدف یا هدف‌هایی را تعقیب می‌کنند و آیا نگونه که اصلاح‌طلبان مدعی هستند این امر میتواند ، با رستم فزاینده بر توده‌ها

صفحه ۶

### بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (قسمت آخر)

صفحه ۳

- در این شماره:
- اخبار کارگری
- چند خبر کوتاه از کردستان
- پاسخ به سئوالات
- سیستم جدید بازرسی ارتش

### چگونه رجائی سیاست اختناق و ققیثش عقاید را توجیه میکند؟

صفحه ۱۲

### "قلعه نشینان یا خچی آباد" در اوج محرومیت

صفحه ۱۱

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پیاپی گاه‌ها خلیش

بقیاض صفحه ۱

# مبارزه ضد امپریالیستی از حرف تا عمل

و خائنانه ای متوسل شده اند و میکوشند تمام مبارزه ضد امپریالیستی را جنش ضد امپریالیستی بمقابله برخیزند. کذا امیرا لیسیتا جازند. را خدا امیرا لیسیتا جازند.

اکنون وظیفه ای بس دشوار بر دوش نیروهای و اقله انقلابی و ضد امپریالیست قرار داده ربا کارا را بر پایه توده ها هوشی کنند، دوستا رودشمنان واقعی توده های زحمتکش را با آنها بشناسا نند و راه و روش مبارزه و اقله ضد امپریالیستی را به آنها نشان دهند.

می آفرینند. هیئت حاکمه با سرمایه مبرزه ضد امپریالیستی، توده ها را سرکوب میکنند و با سرمایه مبرزه با امپریالیسم شوراهای کارگران، دهقانان و پرسنل انقلابی را منحل میکنند، نیروهای انقلابی را تیر بازان میکنند و زمان های انقلابی را از فعالیت علنی محروم کرده و تحسنت شدیدترین فشارها قرار میدهد، با ندهای سیاه را سازمان میدهد، گروههای فاشیست حزب الهی را با سلاح سرد و گرم بجان مردم میندازد، کتابفروشی ها را به آتش میکشد، دست به تصفیه نیروهای انقلابی میزند و بر همه این اعمال خود نام مبارزه ضد امپریالیستی میگذارد.

هرگز در تاریخ دیده نشده است که یک نیروی اقله ضد امپریالیست اینچنین به توده های مردم و نیروهای انقلابی یورش برده آنها را سرکوب کند و هرگونه حقوق و آزادی های دمکراتیک توده ها را از آنها سلب کند. مگر سیاست امپریالیسم سرمایه دار را بویسته دای و همه مرتجعین دیگری سرکوب جنش توده های، اعدام نیروهای انقلابی، کشتار و سرکوب کمونیستها و سلب حقوق و آزادی های دمکراتیک چه بوده است؟ پس این چگونه مبارزه ضد امپریالیستی است که سیاست های پیش با سیاست امپریالیسم و سرمایه داران وابسته منطبق است؟ اگر راستی و راستی نگارنگ جنبه ملی، نهضت آزادی و سران حزب جمهوری اسلامی، مبرزه ضد امپریالیستی را با ندهای دمکراتیک چه اصطلاح مبارزه ضد امپریالیستی آنها در خدمت امپریالیسم و سیاست های آن قرار میگیرد.

البته تمام نیروهای و اقله انقلابی با بد علیه سرمایه داران وابسته بزرگ، این ارتجاعی ترین نیروها و تلاش آنها در جهت با زسای قدرتشان مبارزه کنند. ما وظیفه خود میدانیم که با تمام نیرو و جلوبا زسای قدرت بورژوازی بزرگ را بگیریم. خطر مزدوران وابسته به امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ نظیر بختیارها، ویسیها و توطئه های متعدد آنها را بمردم خاطر نشان سازیم، مردم را به هوشیاری و میا زه علیه آنها دعوت کنیم اما هیچگاه بمردم نمیگوئیم که دشمنان شما تنها در سرمایه داران بزرگ و توطئه های آنها خلاصه میشود. ما توده ها را فریب نیندھیم، بلکه خیانت ها و توطئه های بورژوازی متوسط را نیز با آنها نشان میدیم و سیاست های آنها را افشا میکنیم. ما به توده ها نمیگوئیم که چون بورژوازی بزرگ توطئه میکند و در پی کسب قدرت سیاسی است پس شما کمیت موجود را انقلابی و ضد امپریالیستی است. ما به توده ها نمیگوئیم یا بورژوازی بزرگ یا حاکمیت کنونی، ما به آنها حق ثانوی را نشان میدھیم نه اینگونه آن، این هردو نیرو و ضد انقلابی است. مانده ها را فریب نیندھیم و نمیگوئیم که با حمایت از حاکمیت موجود امپریالیسم را بگوریم. ما میگوئیم که حاکمیت تنها تحت رهبری طبقه کارگران است.

هیئت حاکمه، اعتماد به سرمایه داران را بمردم می آموزد و مردم را به پذیرش رفورم های نا چیز بورژوازی هیئت حاکمه هجوت میکنند و سیاست هیئت حاکمه را که هروزه علیه توده های مردم، علیه نیروهای انقلابی، علیه فدائیان خلق، علیه مجاهدین خلق، به ترور، خفقان، فشار و سرکوب متوسل میشود، در عمل نافذ میکنند و سیاست های ضد انقلابی آنرا بحساب نا آگاهی ها میگذرانند و از نشان نوسان و تردید در میان هوا داران نشان رواج میدھند، عملاً در جهت تشییع بورژوازی و استقرار کارگزاران کامیونر میذارید و این مبارزه ضد امپریالیستی نیست. اینجا است که شما تنها همانند حاکمیت در حرف ضد امپریالیست شده اید شما حقا ریده هنگا میکه ما سیاست های شما را با افشا میگوئیم و ما سیاست های هیئت حاکمه را افشا میکنیم. اما روشیست ما چرا جووچ رو بخوانید، اگر جز این بود تعجب میکردیم زیرا آنچه که ما به توده های زحمتکش میگوئیم با سیاست شما فرستگها فاصله دارد. ما به توده ها میگوئیم که سرمایه داران وابسته بزرگ و متوسط بمثابه تاپگاه امپریالیسم و دشمنان شما هستند و ما زه علیه سرمایه داران جدانیت شما میگوئید که دشمن تنها، مزدوران امپریالیسم در خارج از مرزها و عوامل و ایادی آنها در داخل است.

ما به توده ها میگوئیم که هیئت حاکمه در راه با زسای سیستم سرمایه دار وابسته و دفاع از منافع سرمایه داران کامیونر میدارید. این به آنها اعتماد نکنید و حال آنکه شما هیئت حاکمه را دشمن سیستم و داری است گمراهی و سیاست های شما، ما به خلق اعتماد داشته باشید که رگرو رهبری آنرا می آموزیم و نقش این بگریزین نیروی انقلابی و دشمن هرگونه سیستم است شما را به توده ها نشان میدھیم ما شما را سیاست اعتماد به هیئت حاکمه بورژوازی و رهبری خرده بورژوازی را به توده های می آموزید.

سرا تمام بسیار رجا است که در اینجا رهنمود لینین را حتی به آنها که حاکمیت موجود را ملی و انقلابی ارزیابی میکنند خاطر نشان سازیم که میگفت:

"آنرا سیونال کمونیستی باید در کشورهای مستعمره و عقب مانده با دمکراسی بورژوازی وارد اتحاد موقتی شود، اما نباید در آن مسترک شود و باید بدبجوی پایداری استقلال جنبش پرولتاریا را حتی در نقطه ای تریشکل آن حفظ کند. ... ما کمونیست ها با پیدا ز جنبش رهای بخش بورژوازی در کشورهای مستعمره فقط هنگامی حمایت کنیم و خواهیم کرد که آن جنبش حقیقتاً انقلابی است، هنگامی که تمام بندگان ز جنبش ما مع آموزش و سازماندهی دهقانان و توده های وسیع استثماً شده با روحیه ای انقلابی توسط ما نشوند (نقل از مارکسیسم و مساله ملی سخنرانی ستالین) تا گداز ما میداندیم کسی که به لینینسم پشت کرده اند، کسی که نشوری رویونیستی راه رشد غیر سرمایه دار را پذیرفته اند این رهنمود لینین را فراموش میکنند.

اما در این میان هستند گروهها و سازمانهایی که بنابر نام مارکسیست - لینینست بر خود تپاده و علی رغم تمامی این حقایق انکارنا پذیر، یک چنین حاکمیتی را ضد امپریالیست و انقلابی معرفی میکنند. "کمیت مرکزی" که بمنظور لگد دار کردن نام فدائیان خلق برخود نام قدائی خلق کنترت آنها است و سیاست چریک در استان بورژوازی و کنش و تعظیم در برابر سران سازشکار خرده بورژوازی را پذیرفته و به جنبش طبقه کارگر و مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران پشت کرده است، حاکمیت موجود را ضد امپریالیست و انقلابی معرفی مینماید.

اما شما "کمیت مرکزی" مردم را فریب میدھید. اگر به توده های مردم و طبقه کارگر ایمان داشته و به مبارزه ضد امپریالیستی معتقد بودید اعتماد به هیئت حاکمه را بمردم نمی موختید بلکه در عوض به تشکل طبقه کارگر میپرداختید و توده های مردمی را که هر روز در تجربه روزمره و پیرا تیک عینی بی به بیهودگی وعده و وعیدهای سرا با کذب حاکمیت میبردند و آن جدا میشوند، حوله پرولتاریا و سیاست مستقل آن متشکل میساختید، آیه بائسز میساختید و با تمسک شدید توده ها متفعل شده و با بسوی بورژوازی بزرگ گرایش پیدا کنند، بمردم توضیح می دادید که سرمایه داران وابسته همگی ضد انقلابی و دشمن خلقند، همه علیه توطئه های زحمتکش و تحت ستم میهن ما مختلف است. توطئه و فشار حاکمیت کنونی علیه توده های زحمتکش شکل دیگری است و توطئه بورژوازی بزرگ ایشکلی دیگر، اما هنگامی که شما از طریق اعتماد به

که چرا این گروهها بقول آنها چپ رو، از اینکه توده ها دسته دسته از حاکمیت روی برمیگرداند، خوشحال میشوند. آری، براساسی هم که ما از بریدن توده های مردم از حاکمیتی که در جهت منافع آنها کامیونر میساخته، خوشحالیم و تا آنجا که در توان داشته باشیم آنها را در مبارزه ای تعیین کننده علیه امپریالیسم و بورژوازی تمام دشمنان توده های زحمتکش متشکل و آگاه میکنیم "کمیت مرکزی" در حالی که مدا از خطر بورژوازی بزرگ و توطئه های آن یاد میکنند و درباره نیروهای نظمی امپریالیسم تجا و زگر آمریکا، در خارج از مرزها هشدار میدھند و آنها را به دلیل سرما هیئت انقلابی حاکمیت موجود میگرد، سرکوب توده ها، سیاست ترور و خنق، سلب حقوق و آزادیهای دمکراتیک، پاسداری از نظام سرمایه دار وابسته و دشمنی با نیروهای انقلابی را بحساب نا آگاهی هیئت حاکمه میگذارد، این سیاستها با ندهای جنس فاشیست فرییکاران و فرصت طلبان.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یوگا به داخلیش سالهاست که میهن ما را به بند کشیده اند اقتصادا مع ما با هزاران رشته مرئی و تاریک به سیستم اقتصادا دی جانی امپریالیسم گره خورده است. امپریالیسم با تگاء مجموعه روابط این سیستم سرمایه داران وابسته میکوشد که این سلطه خود را همچنان حفظ کند و میهن ما را در قید و بندهای وابستگی به سیستم امپریالیستی جهانی نگهارد ستمی که از سلطه امپریالیسم و وابستگی میهن ما عاید زحمتکشان میشود، تنها محدود به طبقه کارگران بگریزین نیروی ضد امپریالیست که بیشترین بار ستم نیز با تحمل میشود نیست بلکه دهقانان زحمتکش، کسبه جزء، خرده تولید کنندگان و روشنفکران انقلابی همگی بدرجات مختلف زیر بار این ستم قرار دارند و خواستار برافتن این سیستم وابستگی و نجات میهنان هستند، اما نمیتوان این سیستم وابستگی با این بخشید مگر آنکه نظام سرمایه دار وابسته را برانداخت، مگر آنکه مبارزه ای جدی و همه جانبه علیه سرمایه داران وابسته صورت گیرد. بنا بر این کسانی که سیستم سرمایه دار وابسته را پاسداری میکنند کسانی که به با زسای و ترمیم این سیستم و آرگانها و نهادها را برکمربسته اند، نمیتوانند در مبارزه ضد امپریالیستی در شعار باشند. مبارزه ضد امپریالیستی در شعار نیست، در اقدام واقعی علیه امپریالیسم در مبارزه علیه سرمایه داران وابسته، زمینداران، خانها، فئودالها و تمام اینها و مزدوران امپریالیسم است، در مبارزه علیه آرگانها و نهادهای بورژوازی است.

سرمه داران جمهوری اسلامی نه تنها به ما زه ای واقعی علیه امپریالیسم دست نمیزنند بلکه در پی تقویت سیستم سرمایه دار و تمامی آرگانها و نهاد های ضد خلقی اند. آنها بعوض مبارزه علیه سرمایه داران وابسته، زمینداران بزرگ و فئودال های محلی به سیاست مبارزه علیه توده های زحمتکش روی آورده اند، کارگران را سرکوب میکنند، با بنحاه مختلف ابتدائی ترین حقوق و مزایای آنها را محدود مینماید، شورا های واقعی آنها را بشیوه های مختلف متلاشی میکنند شما بندگان را بر بندان میفکنند، بیرونده سازی میکنند و به هزاران توطئه و فشار علیه کارگران متوسل میشوند. هیئت حاکمه در برابر دهقانان فقیر که بشیوه های انقلابی به ما در زمین های زمینداران بزرگ دست زده اند، سیاست حمایت از زمینداران و فئودالها را در پیش گرفته است. در کردستان علیه دهقانان به سیاست مسلح کردن فئودالها و جاشای محلی روی آورده است. دهکدهها را با خاک یکسان میکند، خانه و کاشانه دهقانان را در هم میریزد و هزاران قاعنه

توضیح:

در "کار" شماره ۷۴ در مقاله، صفحه ۲ ستون سوم، سطر ششم، کلمه سلب حذف شده صحیح آن پایین ترتیب است:

... هیئت حاکمه بیش از پیش بسوی سلب حقوق و ... در ضمن تیر سرفاله بصورت "دولت تفاهم" یا "دولت خط تضاد" صحیح است.

در خبر مربوط به اعدام رفیق مهدی صدیق پور، تاریخ دستگیری وی و یکم شهریور است کاشتباه چاپ شده است.

# استقلال کار مسکن آزادی



# بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته

قسمت آخر

در اسفندماه ۵۸ ما شاهد اوج گیری چشمگیر مبارزه اقتصادی کارگران بودیم. در آن زمان از یکصد و چهل مورد حرکات اعتراضی و اعتصابی توده‌یسی (کارگران، دهقانان، خردبورو زوازی شهری) که توسط سازمان ما جمع بندی شده بود عمدتاً هم حرکات کارگری تهران را شامل میشد بیش از ۷۰ مورد آن اعتراضات و اعتصابات کارگری بود و ماههای اول بهار بافت مبارزه کارگران روبرو بودیم.

هیئت حاکمه که در طول ماههای سال گذشته بدفعات کوشیده بود با توسل به شیوه‌های مختلف سرکوب یا از درون پوسانیدن و بی محتوا کردن شکل‌های کارگری جنبش کارگری را فرو نشانند، و سربراهش (!) کنداکتون با استفاده از موقعیت، تهاجم و یورش خود را آغاز کرد. سبک و روش دو جناح حاکمیت در این یورش متفاوت بود. حزب جمهوری اسلامی که توانسته بود در بهمن ماه سال ۵۸ با برگزاری "کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارخانجات و درپوشش" بررسی اساسنامه شوراهای اسلامی و ایجاد تشکیلات سراسری کارگری "چهارصد کارگزار به نمایندگی از ۲۲۰ واحد تولیدی از سراسر کشور" اقدام کرد و آورد کوشید قانون ضد شورایی حزب را به تصویب برساند. بحثهای خاد و آتشین نمایندگان شوراهای کارگری و بخصوص مقابلت تندوبی مهابای آنها با طرحها و هدفهای مقامات عالی‌کشی و لشکری (وزیرکار، معاون وزارت دفاع، آقای خامنه‌ی و غیره) عملاً "کنگره رایب‌ین بست کشاند. در حقیقت کنگره به صحنه درگیری دو نقطه نظر مدافع منافع دو طبقه (کارگر و سرمایه دار و عوامل آن) تبدیل گردید.

بهر حال اولین تلاش ناموفق سران حزب جمهوری اگر چه موجب نگردید که آنها کلاً "دست از این روش بردارند و دومین و سومین کنگره را در شهرهای اصفهان و مشهد برگزار کنند، اما موجب درپیش گرفتن روش دیگری از جانب حزب گردید.

مادر همان زمان و در پی اولین ارزیابی مان از روشهای مختلف هیئت حاکمه در سرکوب جنبش کارگری این تغییرات را مورد بررسی قرار دادیم و در مقاله‌ی که طبق معمول توسط اپورتونیست‌ها، تغییراتی نمود و در شماره ۵۹ چاپ شد، نوشتیم: "حزب جمهوری اسلامی با اتکا به انجمن‌ها و کانونهای وابسته بخود در کارخانجات میکوشد از عواطف و اعتقادات مذهبی کارگران بهره‌برداری کند و رهبری مطلق هم‌مغالبیت‌های درون کارخانجات را به خود اختصاص دهد و زیر عنوان تشکیل شوزاهای صدر صدامی می‌خواهد کنترل خود را بر کارخانجات برقرار کند، غافل از اینکه شورانه یک تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ی است و انحلال شوراهای انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و بویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه‌ساندیسر ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین ۵۹) برگزاری انتخابات مجدد و کنترل شد مبرای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در جوی تحریک شده و ضد کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراهای فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات مجدد در آنها (کارخانکاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه) تحریک

کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دام زدن باین درگیری و تشدید اعتشاش برای زمینه‌سازی و توجیه رورود با سداران به کارخانه‌ها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری در کارخانه ایرواک تبریز کارگر مبارزی را به اتهام واهی رشوه خواری دستگیری کنند) اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها میکوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌ای و همگانی اش تهی کرده و آن را بصورت جریانی فرمایشی در آورد و تشکسل توده‌ی رایبه زانده‌ما می دولتی بدل کند. اما بنی صدر باروشی دیگر شعار "شورایی شورا" را مطرح می کند. او میکوشد که جنبه انقلابی و توده‌ی شوراهای تحت الشعاع قوانین و آئین - نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم رایبه‌بانه برقراری نظم و امنیت "از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زانده‌ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید. ... (ص ۹۶ تا ۹۹)

علت موفقیت نسبی هیئت حاکمه را (که در سرکوب شوراهای و تصویب یک سلسله قوانین ضد کارگری ظاهر شده است) باید علاوه بر بهره‌برداری از رگود موقتی جنبش کارگری در مسائل دیگری نیز جستجو نمود. رگود حاکم بر اقتصاد بحران زده کشور و اثرات واقعی و تبلیغاتی تحریم اقتصاد دی، خطر اخراج کارگران را بصورتی جدی در آورد و بود کارگران میدیدند که عدم ثبات و مشکلات و کمبودهایی در تهیه مواد اولیه، سرمایه داران را بر آن داشت است که با اتکا به حمایت دولت، هر حرکت کارگران را با موج وسیع اخراج پاسخ گویند و بی مهابا بازندگی و سرنوشته کارگران و خانواده‌ها را بازی کنند.

بعلاوه نه تنها عقب ماندگی و حشنتاک جنبش کمونیستی از جنبش توده‌ی، توده کارگران را از پیشرو واقعی دارای برنامه سیاست محروم کرده بود بلکه در این زمان اپورتونیسم شکل گرفته همان تحرکی را که جنبش طبقه کارگر در ماهها قبیل مستقل از حضور پیشروان و بطور خود بخودی، بخود گرفته بود، روبه قهقرا برد. با اینهمه جنبش طبقه کارگر ایران آرام نگرفت و مقابلت مبارزه جویی کارگران اگر چه در سطحی نازلتر و در ابعدی خفیف تر همچنان ادامه یافت. مبارزات قهرمانانه موقاطع نفتگران (در مورد تصفیه و پاکسازی و پیمانهای دسته جمعی) که در شماره‌های اخیر "کار" بدان اشاره شده است، از جمله مواردی است که هرزندگی چشمگیر کارگران ایران را به نمایش گذاشته است.

سخن به درازا کشید. کوشیدیم طرحی مختصر از تحلیل جنبش طبقه کارگران را در شرایطی از اشتغال سنگین بکارهای اولیه تشکیلاتی ارائه دهیم. اینک موفقیت چندانی نداشته‌ایم، خود واقفیم. نبود فرصت کافی حتی برای بهره‌برداری از یادداشت‌ها و گزارشات موجود (چهره‌س

تحقیق و کاوش در نوشته‌های سایر نیروها، روزنامه‌های کثیرالانتشار، منابع رسمی و غیره) موجب چنین امری شده است. اما با اینهمه خود را راضی نمودیم که بهر حال طرح تهیه شده را ارائه دهیم و از کلیه سازمانها و گروههای مبارز و انقلابی بخواهیم که با نقد و بررسی خود تحلیلی هر چه کاملتر و عینی‌تر از جنبش طبقه کارگران ارائه دهند تا جنبش کمونیستی، بتواند بر پایه آن به تندوبین سیاستها و روشهای خود بپردازد و با اینکار خود باری سنگین را از دوش جنبش کارگری و کمونیستی ایران بردارد. خلاصه کنیم و نوشته را با ارزیابی تغییر و تحولات ذهنیت کارگران ایران که در واقع می‌بایستی هدف اصلی طرح می بود بپایان برسانیم. این تغییر و تحولات را می توان در ۳ مورد زیر جمع بندی کرد:

۱- تغییر و درگونی نسبی درکی که کارگران از مفهوم نمایندگی و بطور کلی از نمایندگان واقعی و مدافعین منافع خود پیدا کردند. این درک بنحوقابل توجهی ارتقاء یافته است، آن چنانکه در موارد متعددی می بینیم که کارگران در نامه‌ی خود نه وکیل، بلکه نماینده واقعی خود را که تجلی خواست و اراده آنهاست جستجو می کنند. تجربه دو سال اخیر تا حدود زیادی به کارگران این درک را داده است که در وجود نماینده خود قدرت و اراده خویش را متبلور و متجلی ببینند و این مسئله چشم انداز روشنی را از پیوند "پیشروان" و "توده‌ها" تصویر می کند.

۲- پذیرش نقش رهبری و هدایت نمایندگان خرده بورژوازی هر روز کمتر و کمتری شود. در عوض روی آوردن به سازمانهای انقلابی و مترقی و بخصوص پذیرش و اجرای رهنمودهای کمونیستها افزایش می یابد. علت این امر را باید در افزایش آگاهی و رفع توهمات آنها نسبت به رهبری خرده بورژوازی و نیبایات حسنه اش! با توجه به اقدامات و عملکردهای دولت و سازمانهای سرکوبگر آن و نیز کمیته‌ها و سپاه سداران و غیره، برکناری مفتضحانه دولت بازگان و افشاکری علیه کمونیسم دید. بعلاوه فشار و اقصیات در پیوند با نقش آگاهانه سازمانهای انقلابی بیش از هرگز آری موزنده است.

بایستی بر این واقعیت تاکید کرد که کمونیستها در طی این مدت با شرکت در مبارزات روزمره کارگران این ذهنیت ابتدائی را که طی سالها در آنها تزریق شده بود و کمونیسم را صرفاً مترادف با بی دینی و لامذهبی و سنت شکنی میدیدند، درهم شکنند. این ذهنیت بر پیشداوری توده‌های ناآگاه که حاصل تبلیغات سوء امپریالیستها و عمال آنان و نیز جریانهای سیاسی و شخصیت‌های غیر پرولترو صند کمونیست بود طی تجربیات یکساله اخیر کارگران تا حد زیادی با توجه به اینکه در جریان مبارزات روزمره شان همواره کمونیستها را در پیشاپیش خود و در مقابل سرمایه داران - هیدیدند و کمونیستها را پیگیرترین نیروها

بقیه در صفحه ۱۰

## رهبری طبقه کارگر

### ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی، دمکراتیک خلقهای ایران است

# اخبار کارگری

## ● فریاد راننده‌ها، کمک راننده‌ها و کارگران شرکت واحد از توطئه‌های سرمایه‌داری!



## ● کارگران کارگاههای شن و ماسه در بدترین شرایط استثمار می‌شوند



یعنی میخواهند به ۶۰٪ کارگران تعمیرگاهها اضافه کار ریخته‌اند و ۴۰٪ از کارگران را اضافه کار محروم نمایند یعنی با توجه به هزینه کم شدن زندگی کارگران و اروپایی بودن سطح دستمزدها ۴۰٪ از همکاران ما را با فشار بیش از حد زندگی، به فلاس و فلاکت بکشانند. یعنی در موقعی که سرمایه‌داران و ثروتمندان بازاری بپوشور آشکارا به چپاول مردم مشغولند و هر روز بر ثروت خود می‌افزایند و مدیران شرکت ۴۰٪ همکاران ما را حتی از ابتدای ترین و سایل زندگی محروم می‌نمایند زیرا دستمزدها کثرت قریب به اتفاق همکاران اینقدر پائین هست که عملاً "تکا فوی" کرایه مسکن و نان خالی ما را نمی‌کند.

ما برای تهیه کمترین وسایل زندگی برای خود و فرزندان مجبوریم با اضافه کار رهنمونیم، قطعاً اضافه کار در شرایط فعلی یعنی قطع نان و گوشت خانوادگی ما.

همکاران، کارگران مبارز و زحمتکشان! با اتحاد عمل خود ایستادگی کنید و با اتحاد همکاران و همکاران در دفاع از حقوق و منافع خود و همکاران و همکاران در دفاع از حقوق و منافع خود و همکاران در دفاع از حقوق و منافع خود.

۱- تا تعیین پایه دستمزد بر اساس هزینه زندگی بطوریکه هر کارگر بتواند در قبال انجام کار بدون نیاز به اضافه کار، زندگی متوسطی داشته باشد. "اضافه کار طبق روال گذشته برقرار گردد.

۲- برای رفاه مسافریین کلیه رانندگان، کمک رانندگان و بلیط فروشان در ایام تعطیل مشغول خدمت باشند.

۳- ۴۴ ساعت کار در هفته بطور واقعی یعنی با احتساب مدت ناهار کارگران جزء ساعت کارشان که محسوب می‌گردد.

۴- مدیرعامل و هیات مدیره که عملاً سیاست‌گذاران و بلیط فروشان در ایام تعطیل و زکا برکنار گردند.

۵- نمایندگان واقعی شوراهای کارگران در اداره امور و اجرای برنامه‌ها دخالت داشته باشند.

مدیرعامل و هیات مدیره شرکت واحد، شرایط طاقت فرسایی را به زحمتکشان این شرکت تحمیل کرده‌اند. ضوابط حاکم در این شرکت آنچنان کارگران را در تنگنا قرار داده که ناچارند با تقاضای اضافه کار ری‌فکر تا مین زندگی خود با شند، آنها هنوز برای اجرای ۴۴ ساعت کار در هفته مبارزه می‌کنند. اعلامیه‌ای که اخیراً "توسط کارگران پیشرو این شرکت انتشار یافته است، خونخوارانگروه‌ای است از رنج و فشاری که برای زحمتکشان تحمیل می‌شود. در اعلامیه آمده است که:

کارگران و زحمتکشان کشور ما با قیام قهرمانانه خود بر علیه سرمایه‌داران و استبداد در رژیم منقرودست نشانده پهلوی مهربان بر سر کار ری‌ز روابط ظالمانه گذشته زده و با سرنگون کردن رژیم سفاک، خواهان نگرگونی عمیق در تمام سطوح زندگی خود شدند. خواست ما کارگران زحمتکش شرکت واحد نیز جدا از خواست سایر کارگران و زحمتکشان نبود و نمی‌توانست هم باشد.

ولی متأسفانه پس از قیام هیات مدیره منتخب دولت که فرسنگها از خواست ما دور بودند و عملاً از ابتدای ورودشان سعی در اجرای قوانین ظالمانه گذشته که عملاً در خدمت منافع سرمایه‌داران بود مینمودند و تمام سعی‌شان در جهت از بین بردن آن مبنای زاتی بود که کارگران با مبارزات پیگیر خود در رژیم گذشته گرفته بودند، بعنوان تقلیل هزینه‌ها.

شکست و احساسی در زمین بردن حقوق کارگران می‌نمودند و در مقابل، ما شاهد اجرای برنامه‌ها غیر ضروری هزینه‌ها و زیاده‌های شرکتها خصوصی که هزینه‌ها را بر دوشان در ماه میلیون‌ها تومان بود، اینک مدیران شرکت در تعقیب همان سیاست ضد کارگری خودشان و بدست ویزا اجرای ۴۴ ساعت کار در هفته، عملیاتی تقلیل ساعت کار همکاران -

تعمیرگاه‌ها ب مدت چهار ساعت در هفته، روزانه یک ربع ساعت (۳/۵) ساعت در هفته (به مدت کارشان اضافه نموده‌اند و زاده‌ها کار نصف همکاران رانندگان و کمک رانندگان و بلیط فروشان در ایام تعطیل و جمع‌ها جلوگیری می‌نمایند و این عمل خود ما را در مقابل مردم قرار میدهند و اینک در فکر توطئه دیگری هستند.

در بیابانهای اطراف تهران کارگاههای شن و ماسه پراکنده‌اند. در این کارگاه معمولاً در حدوده کارگران رگر مشغول به کار هستند. که معمولاً از مکانات رفاهی و بهداشت محرومند از بیمه و حتی جزای قانون هشت ساعت کار رو پرداخت حداقل دستمزد در این کارگاهها خبری نیست. اغلب کارگران در هفته‌ای ۷۰-۸۰ ساعت کار می‌کنند و جرات اعتراض هم ندارند زیرا بلافاصله اخراج می‌شوند.

آنچه در پی می‌آید، گزارش کوتاهی است از یکی از این کارگاهها بنا به شرکت لازگان این شرکت در ۲۲ کیلومتری کرج، جا ده ملارد، قرار دارد. فاصله محل کارگاه تا اولین محلی که کارگران میتوانند نمانند ما به نیاز زندگی خود را تامین کنند ۱۵ کیلومتر است. وسیله نقلیه‌ای هم در اختیار ندارند. در کارگاه‌ها لاژگان نشین کارگران را نمیکنند، آنها صبح تا شب در زیر تابش آفتاب سوزان و در شرایط دشوار و طاقت فرسا کار میکنند. سروکارشان با سنگ و خاک است، به همین علت، بیماری‌های ناشی از گردوغبار آنها را تهدید می‌کند. همیشه تمام آنها مشاغل آلوده از غبار و روغن پوشانده است. صورت‌هایشان آفتاب سوخته و پریشان است. این کارگران به شدیدترین وجه استثمار می‌شوند، کار از صبح شروع می‌شود و تا شب ادامه دارد و در این فاصله فقط یک ساعت حق نهار و خوردن و استراحت دارند. در ازای ۲ ساعت کار زیر آفتاب بدون حداقل وسایلو امکانات رفاهی و در شرایط بسیار سخت، فقط ششصد ریال دستمزد دریافت می‌کنند. صبحانه و شام را باید خودشان تهیه کنند که بعلمت دور بودن محل خرید بسیار دشوار است و مجبورند به حداقل خوراک قناعت کنند. اخیراً هم وسایل و ابزار کارشان به علت فرسودگی از کار افتاده و احتیاج به تعمیر دارد، اما به گفته یکی از کارگران، "ما حساب شرکت، مهندس‌ها شمی، که دو شرکت آبپاری در شهریا رویک کارخانه آسفالت سازی در آملانگاران کاروان با این شرکت نیست. و برای این فرقی ندارد که شرکت را رکنندیا نکنند."

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است، پرداخت باید گردد

# کار

نقیه از صفحه ۴

## اخبار کارگری

### ● مبارزات کارگران باطریسازی پس از ۴۰ روزه پیروزی رسید!

کمیته‌های با کسای که تا کنون در کارخانه‌ها و ادارات ما هیت ضد کارگری خویش را، با اخراج کارگران زحمتگشان مبارز و انقلابی به اثبات رسانیده‌اند، با دیگر کارخانه باطریسازی نیرو در پوشش با کسای عنا صر سرسپرده رژیم منفور گذشته بجای تصفیه ضد اطلاعاتی‌ها، خائن دست به اخراج کارگران آگاه و مبارز زدند. در تاریخ بیست و دوم تیرماه ۵۹ که جلسه پاکسازی کارخانه باطریسازی پس از مدت‌ها شناسایی، همراه با بازنشسته کردن یک نفر ضد اطلاعاتی با

همکاری مدیران و نجنم اسلامی کارخانه ۱۴ نفر از کارگران مبارز را اخراج کرد. این عمل ضد کارگری و ضد انقلابی کمیته با کسای درجایی که هنوز ضد اطلاعاتی‌ها و عوامل سرسپرده رژیم گذشته نرمند کارخانه هستند، با اعتراض و اعتصاب کارگران شعبه مونتاژ و روبروشد کمیته پاکسازی که در مقابل این عمل کارگران به وحشت افتاده بود، دست به تهدید و ارباب کارگران زد و آنها را تهدید به اخراج کرد. این تهدید در مقابل اتحاد کارگران مونتاژ بی‌فایده بود و اعتصاب همچنان ادامه داشت. کمیته پاکسازی خود

هما نروز، با زور و پانزده نفر از کارگران اعتصابی کارخانه جلوگیری کرد، کلیه کارگران اخراجی جلوی در کارخانه جمع شده، متحداً ضمن اعتراض شدید به اخراج خود، خواهان بازگشت به کار شدند. کارگران اخراجی پس از تلاشهای چند روز مدیعیاً میل صنایع دفاع (که کارخانه باطری سازی تحت پوشش آن قرار دارد) رفته در مورد اخراجشان سوی اعتراض کردند اما نتیجه ای نگرفتند، کارگران صنایع دفاع علی‌کارکنان تا به وضعیت رسیدگی شود. ضمناً کارگران هر روز در جلوی کارخانه جمع شده و در باره اخراج خود با دوستان کارگران در کارخانه صحبت می‌کردند.

در درون کارخانه تمام حرکت کارگران نیز بر نظر مدیران و عوامل میل کمیته پاکسازی قرار داشت حتی رئیس شعبه مونتاژ کلیه کارگران را تهدید به اخراج کرد و جوار ختنای و ترس از بیگانه شدن در کارخانه بوجود آورد. کارگران شعبات مختلف کسبه

بعلمت نهادن تشکلی واقعی چون شورای از وحدت و یکپارچگی برخوردار نبوده‌اند، ضمن ایرادنا رضایتی شدیداً از اخراج کارگران مبارزاً در نبودند هیچگونه اعتراض جمعی بعمل آوردند. رفت و آمدهای متکرر کارگران به وزارت دفاع بدون نتیجه ماند و آنها با تجربه خویش دریا فتند که در یک جلسه سرما به داری تمام دستگا‌های دولتی در خدمت سرما به داران می‌باشد.

بالاخره از طرف شورای عالی صنایع دفاع نما بیندگانی جهت بررسی دلایل اخراج کارگران به کارخانه آمدند و دربار کارگران اخراجی با مدیرعامل، کمیته پاکسازی کارگران مونتاژ گفتگو کردند. کارگران شعبه مونتاژ ضمن پشتیبانی از مبارزات کارگران سرسپرده جوار ختنای که در کارخانه توسط کمیته پاکسازی مدیریت و انجمن اسلامی بوجود آمده اعتراض کرده و طوماری برای حمایت از کارگران اخراجی جمع کردند و به

ما بیندگانی شورای عالی دادند. از این پس فشارهای ناشی از مبارزات کارگران شورای عالی کمیته پاکسازی مدیریت بناچار می‌پذیرند که ۱۵ نفر از کارگران اعتصابی مونتاژ به سرکار بازگردند. اما مبارزه بقیه کارگران اخراجی همچنان ادامه دارد.

بالاخره پس از ۴۰ روزه مبارزه یکپارچه و بی‌امان کارگران اخراجی، عده‌ای از آنان بسرکار بازگشته و کمیته پاکسازی و مدیریت در مقابل اتحاد مبارزان مجبور به عقب نشینی می‌گردند. مبارزات کارگران اخراجی به آن می‌آموزد که تنها اتحاد یکپارچه آنان و کمک ارگانهای واقعی کارگری همچون شورای عالی میتواند موفقیت آنان را سبب گردد. کارگران در شوراهای واقعی در خویش میتوانند در مقابل ارگانهای ضد کارگری ایستاده، از حقوق و برحقشان دفاع و از اخراجشان جلوگیری نمایند.



### اعلام نظر کارگران پیشرو صنایع دفاع ایروان تحولات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مالکین لحظات حساسی در شوری و از سرسرگردانیم. لحظاتی که برای جنبش کمونیستی و پیشرو بود برای نفع تعیین کنند با می خواهند دانست. امروز طبقه نیروهای انقلابی از هر لحاظ در شرایط از درگاه رفته است. این طبقه هم در مقابل طبقه کارگر و طبقه های مردم است و هم در مقابل با اپوزیسیونهای "نهایی" کسبه جنبش طبقه کارگر از سر سر آنجا تسهیل می شود.

اپوزیسیون راست مظهره جنبش کمونیستی - کار - شماره ۱۳ کارگران و زحمتگشان آگاه مبارز! پیش از دهه از تحولات درونی سازمان چریکهای فدائی خلق میگذرد. هر کارگر آگاهی باید در حال این تحولات بر خود آگاهی و وسوالات در پیش گیرد. بدین است که هرگونه موضعگیری سیاست باید در شرایط حسی شگفتی تحولت به تاثیرات حسی مواضع هر چه از جنبه‌هایی که بر پیشتر این تحولت شکل گرفته‌اند صورت پذیرد. تحولت اخیر نتایج تهنه فروری انعکاسی مبارزه طبقاتی حدت یافته در جامعه در درون سازمان می‌باشد.

از قیام تا کنون شاهد کمترین وضعی نبود طبقاتی بین کارگران و دیگر زحمتگشان اینک سرما به داران و امپریالیسم از سر دیگرو در نتیجه نبرد یکسره در صحنه جنگ طبقاتی نهایی بین در مقابل انقلاب و ضد انقلاب بود. اما این مبارزه طبقاتی با ارباب خود را در درون سازمانهای سیاسی به شکل تهنه از سر شدن مغلوب جریانهای نژاد و سازشکار از نیروهای یکپارچه و در نهایت مستحکم درجهت اردوی کارگران سرما به داران است. در قیام بر این حساست که در درون سازمان باید اتی در پیش اساساً متفاوت که در شرایط غیرت مبارزه بی‌امان طبقه کارگر در تهنه بر سر سر ما. این در پیش بر سر ساسترین مسائل چون حکایت، چگونه‌ها هدایت جنبش طبقه کارگری و جنبش خلقها... اختلاف نظر دارند.

خلقها پیش گرفته به آزاد بهای د نوکرانیک، جمله به شوراها، مظهر و کارگری سازمانها تصفیه واحد ام انقلابیون و بقیه کمونیستها بالاخره حمایت از سرما به داران و سازمانی سیستم غیره سرما به داران وابسته فرورد آمد بخردن و بجزای ضد امپریالیست قلد ام بیکند (۱) آنها را ریتند و بدو، گرایشات ضعیف غیره بجزای، ضد امپریالیستی حاکمیت را از گرایش ضد بجزای آن تکلیف نمایند.

این به پیشرو و نوری حاکمیتی را که در ساسترین مسائل مبارزه جانب سرما به داران را گرفته، به لحاظ همان لائین کار پیشین به تصویب فراتی ضد کارگری چون لغو دوره و لائین شوراها، لایحه پاکسازی، لائین تعیین حد اقل مزد کارگران کشاورزی و... از اینگونه به ابتدای ترین خواست کارگران نظیر ۱۰ ساعت کار در هفته و افزایش برخصی سالانه تا بین همه در مانی واقعی، به به بگری و... خود داری کرده ضد امپریالیست (۱) از مانی تسوده و از کارگران میخواهند که بدنیال حاکمیت گام بردارند. گسی مبارزه ضد امپریالیست جدا از مبارزه ضد سرما به داری و مبارزه برای دموکراسی است و امپریالیسم را باید در بر سر سر از مذهباً جستجو کرد.

جنگ امپریالیست به لحاظی ضد "تعریف" حاکمیت از ساسا بجزای هاتلایح رفیسم از کارگران مبارزه که از فو و استیها و مذهب و اضمحلتی خویش چشم پوشی کند، پیش از رها زارت، دموکراسی نه نشد. در مقابل تصحیلات و اعمال ضد انقلابی حاکمیت و واکنش تند "نشان ده" هندی بین هر چه در شرایط تولید را افزایش دهند تا در نتیجه سرما به داران در وقت آنجا بر سر سر شوند (۱) آنجا فلسفی مبارزات تهنه‌های به لحاظ ملح به بر حاکمیت از فو و استیها خواهند که خود تهنه به حاکمیت بجزای بی دهند.

انگیزت "کمته مرکزی" با بر اینان منافع پرولتاریا و خلق خلق ما در مقابل هیئت حاکمه ضد امپریالیست (۱) در جهت تسلیم طلبانه خویش و نوری غیرت اینان به نامی ترگ داشته است. در به کلام آنان در در پیش "بازگشت به اصول" کسبه همچگاه بدان اختلافی تهنه. به تجدید نظر در اصول برداشته و به برخورد سیاست ساز طبقه‌ها راه ارتد ام پیشه کرده‌اند.

جنگ انقلابی سازمان در مقابل انحراف جنبش تهنه‌های توسط امپریالیست هادست به فاک ام انقلابی طلی کرد. مبارزه باید فو و استیها زد باست. اکنون سازمان با بافتگوشی صریح رویش بر اساس اصول مارکسیسم - لنینیسم به مسائل مهم جنبش درجهت تهنه خط مبارزه برای تحقق هرزنی بجزای در انقلاب در هر گام بر مده ارد و همچون گذشته بهترین با پیشتر باید در هر یک کسبه.

کارگران پیشرو صنایع دفاع حمایت لاطمنه خویش را از روح جناح انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق (اقدم) اعلام می‌دهیم. ما تمام کارگران پیشرو ما می‌که با آگاهی هر چه به پیشتر امپریالیسم راست را منفر ساخته و بافتل در سازمان انقلابی خویش در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر در نهیات حرکت در جهت فروری تاریخی ایران فعلی، یعنی دیکتاتوری پرولتاریا گام بردارند.

نابود با فلسفوی امپریالیسم در جنبش کارگری کمونیستی ایران همه مستحکم تهنه پیوند کارگران و زحمتگشان با سازمان چریکهای فدائی خلق سرگرم امپریالیسم جهانی بسرگرد گسی امپریالیسم آنجا بیکند و لغایب.

کارگران پیشرو صنایع دفاع ۱۳/۱۱

## تعطیل دور روز در هفته کمی در جهت تامین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

بقیه از صفحه ۱

درباره

# "ملی کردن" تجارت خارجی...

را تخفیف دهد! مشکلی از مشکلات آنها را حل کند! و بیوندی و وابستگی را قطع کند؟ اساسا کشورهای وابسته که در تاپ بود شبکه و وابستگی اقتصادی ای سیرند ، در زمینه تجارت خارجی نیز هم نندسایبر حیطه های اقتصاد ، وابسته به کشورهای امپریالیستی و سیستم جهانی سرمایه اند . این وابستگی به سیستم سرمایه داری جهانی شرایطی را پدید آورد ما ست که این کشور ها ، همه ساله تنها در حیطه تجارت خارجی میلیونها دلار بخاطر مبادلات نابرابر ناشی از سیستم بازرگانی جهانی سرمایه داری زیان ببینند . این امر از شرایط وابستگی و سلطه انحصارات امپریالیستی بر بازار جهانی و قیمت های انحصاری ناشی میشود . سود انحصارات تنها از این منبع در هر سال به چند ده هزار میلیون دلار می رسد . در نتیجه بعلت مکانیسم قیمت های انحصاری و کاهش مداوم قیمت های واقعی محصولات صادراتی کشورهای وابسته ، درآمد خالص این کشورها مدام کاهش می یابد و موقعیت کشورهای وابسته در سیستم تقسیم کار بین المللی سرمایه داری مدام به زیان آنها تغییر می کند . بهمین علت است که ما شاهدیم ، هر چه بر محصولات صادراتی ، کشورهای وابسته افزوده می شود ، سهم آنها در صادرات بین المللی کاهش می یابد . و البته این کاهش سهم نه به معنای کاهش وابستگی بلکه به معنای افزایش آنست . در چنین سیستمی خواه بورژوازی دولتی و یا بورژوازی خصوصی امر تجارت خارجی را در اختیار خود گیرد ، نتیجه و احداث زیرا تنها در جوامعی که اساسا مناسبات سرمایه داری وابسته بر افتد و بیوندی های متعدد اقتصادی با سیستم جهانی سرمایه قطع شود ، میتوان مناسبات تجارت خارجی را نیز دگرگون کرد و حقیقتا "زملی کردن تجارت خارجی سخن گفت ، و الا در شرایط حفظ مناسبات سرمایه داری و وابسته صحبت از "ملی کردن" بازرگانی خارجی حرفی پوچ است که در نهایت در خدمت بورژوا بوروکراتها ، یا سرمایه داران خصوصی و انحصارات امپریالیستی قرار می گیرد . اکنون پس از این معدمات بحث اصلی خود را آغاز کنیم .

\* \* \*

تأیید از سرنگونی حکومت شاه حیطه عمل سرمایه های متوسط محدود بود ، و به دلایل مختلف نمی توانستند همه جانبه وارد جریان تولید شوند و یا اگر معدودی از آنها موفق به ورود در عرصه تولید بزرگ می شدند ، مجبور بودند یا از قوانین سرمایه بزرگ تبعیت کنند یا خیلی سریع از این عرصه کناره زده شوند . بعضی از دلایل محدودیت ورود سرمایه های متوسط به حوزه تولید بخصوص تولید بزرگ عبارتند از : الف ) بالا بودن حجم سرمایه مورد نیاز که برای تاسیس صنایع لازم بود . بویژه با ترقیات فنی ، امکان ورود سرمایه های متوسط حتی در مشارکت و یا نظارت و یا استفاده از امکانات محدود بانکهای تجاری روز بروز کمتر میشود . ب ) تکنولوژی تولید بزرگ سرمایه داری اساسا

در اختیار موسسات بزرگ انحصاری بود و به سادگی در اختیار سرمایه های متوسط قرار نمی گرفت . ج ) شبکه بانکی و توزیع اعتبارات و بویژه درآمد نفت در کنترل سرمایه های بزرگ و متناسب با نیازهای صاحبان اینگونه سرمایه ها به جریانی می افتاد . د ) اعتبارات کلان با تسهیلات لازم عمدتاً در اختیار موسساتی قرار می گرفت که در ارتباط مستقیم با سرمایه بزرگ قرار داشتند و می توانستند نفوذ آنرا وسیع تر کنند . تسلط انحصاری بر تولید و بازار در سطح وسیعی محدودیت هایی برای سرمایه متوسط پدید آورده بود . ه ) بخشی از سرمایه متوسط که عادتاً " کاری به حوزه تولید نداشتند با هجوم سرمایه بزرگ بیشتر در همان محدوده های خویش محبوس ماندند ، و بخشی از سرمایه های متوسط به حوزه های تجارت و احتکار واسطه روی آوردند ، زیرا خطر اینکار به خصوص در شرایط تهدیدکننده ای که سرمایه بزرگ بوجود می آورد ، خیلی کمتر بود . خلاصه حجم سرمایه متوسط و سلطه روز افزون سرمایه بزرگ ، مانع از آن بود که سرمایه های متوسط به حیطه های دلخواه خود روان شوند و در نتیجه ، تضاد سرمایه بزرگ و متوسط بخاطر کسب ارزش اضافی بیشتر تشدید می شود . در چند سال اخیر قبل از قیام بهمن ماه ، بویژه با بروز پارهای " تنگنا ها " در اقتصاد بحران زده سرمایه داری ، حتی برخی از سرمایه های متوسط که در حیطه تولید صنعتی فعالیت داشتند ، با ملاحظه مشکلات و موانع موجود ترجیح می دادند به سوی تجارت و بخصوص واردات کالاهای خارجی بروند . حتی آن عده از سرمایه داران متوسط که به سمت تولید کالاهای حاشیه ای و کم اهمیت و انحصاری نشده می رفتند ، بر اثر شدت نفوذ سرمایه های بزرگ و مخالفت های عملی دولت ، و سپس با ملاحظه عواقب بحران و خیم اقتصاد اجتماعی به سمت معاملات احتکاری - از جمله زمین و مسکن - روی آوردند و از جریان تولید خارج شدند . البته همانگونه که میدانیم یکی از خصوصیات اقتصاد وابسته در آنست که بعلت اینکه تولید و بازار در حیطه انحصاری فعالیت سرمایه های امپریالیستی و بورژوازی بزرگ وابسته قرار می گیرد ، بعلت محدودیت بازار بخش عظیمی از سرمایه ها به سوی رشته های غیر مولد ، از جمله بورس بازی و خرید و فروش زمین روی آورند . در نتیجه عوامل گوناگون ، سرمایه های متوسط تحت فشار سرمایه بزرگ قرار داشتند ، متن تولید در اختیار " شیران " بود و حاشیه تولید ، تجارت و احتکار ، در دست ناتوان " روبهسان " سرمایه متوسط . نرخ سرمایه گذاری تولیدی سرمایه متوسط در مقایسه با نرخ سرمایه گذاری سرمایه بزرگ ، بسیار پایین تر و نرخ سود نیز از یک چینی و وضعیتی برخوردار بود . بنا بر این سرمایه متوسط مجبور بود که به حوزه های معینی دل خوش کند . سرزمین مالوف و مانوس بخشی از این سرمایه تجارت خارجی ( واردات و صادرات ) و داخلی بود . البته این توضیحات بدان معنا نیست که سرمایه

متوسط در تولید شرکت نداشت و یا اینکه در تجارت و بویژه تجارت خارجی از سرمایه بزرگ خجسته نباشد ، هر گاه زمین و چشم انداز صاحب سود گزاف وجود داشت سرمایه بزرگ بیدار نخواهد بود ، و تجارت خارجی و داخلی نیز از این قانون مستثنی نبود . با اینحال بطور کلی تناقض آشکار میان سرمایه ها وجود داشت ، سرمایه های متوسط بسوی رشته های سودآور سرمایه گذاری در بخش صنعت حرکت می کرد . اما بر سرفره سرمایه بزرگ جانی وجود نداشت و فرصت سرمایه گذاری تولیدی محدود بود . زیرا سرمایه گذاری بورژوازی متوسط بخاطر موقعیت سیاسی و اقتصادی بورژوازی بزرگ با موانع متعدد روبرو می شد . پس از قیام بهمن و تسلط بورژوازی متوسط ، در قدرت دولتی ، برخی از موانع تحرک سرمایه و انتقال سرمایه تجاری و حاشیه ای به سمت تولید بر طرف شده و یا هیئت حاکمه سعی دارند که از طریق پارهای اقدامات این موانع را رفع کند . دولتی کردن بانکها ، شبکه اعتبارات را در اختیار دولت قرار داد و بدین ترتیب (سوی نجات سیستم اعتباری از ورشکستگی ) در توزیع اعتبارات به نفع سرمایه متوسط تحولاتی صورت گرفت و زمینه را برای سرمایه گذاری بیشتر بورژوازی متوسط فراهم ساخت . این اقدام با توجه به نقش بورژوازی متوسط در قدرت دولتی می تواند عامل موثری در کشاندن سرمایه متوسط به سمت تولید صنعتی باشد . قسمت اعظم سرمایه بزرگ در اختیار دولت قرار گرفته و سرمایه داری دولتی وسعت یافته است . اینک دولت در مقام سرمایه دار بزرگ در وضعی است که می تواند تضاد سرمایه های متوسط و بزرگ را تا حدی تخفیف دهد و تا حدی که منطبق حرکت سرمایه اجاز می دهد ، راه حرکت را برای سرمایه داران " مستضعف ! " ( بخوان بورژوازی متوسط وابسته ) بگشاید . با این حال هنوز همه موانع از میان نرفته اند و غلبه بر آنها محتاج تلاش و کوشش سرمایه داری بزرگ دولتی و سرمایه متوسط است . این تلاش را دولت از مدت ها پیش شروع کرده و در زمینه های مختلف آغاز کرده و طرح دولتی کردن تجارت خارجی یکی از این زمینه ها است . وزیر بازرگانی ، آقای رضا صدرو همکارانش ، طی مصاحبه ای اهداف این دولتی کردن را به بیان بیان می کند . اولین نکته ای که او عنوان می کند برای این است که ادعا کند اجرای این قانون یک اقدام " دست چپی " است . او حزب توده را متهم می کند که از مزه " چپ گرایان خیلی چپی " است ، زیرا حزب توده از مدت ها پیش اصرار در اجرای این اصل داشته و دولت را به حد کافی " چپ " ندانسته . طبیعی است که حزب توده بیانه سنت دیرین احزاب اصلاح طلب و فرصت طلب ، که هرگز پوشش الفاظ مارکسیستی را رها نمی کند ، " دولتی شدن " را مترادف و هم معنای ملی کردن سوسیالیستی میدانند . بهر حال این تجدید نظر طلبان هر چه دست دولت در اداره تولید و توزیع گشاده تر باشد ، زمینه ورود مسالمت آمیز به " سوسیالیسم " فراهم تر می شود . بدون شک کمونیست ها نیز پس از تصرف قدرت ، بخش تجارت را که شامل صادرات و واردات و شبکه معاملات بزرگ تجاری داخلی می شود ، ملی می کنند . این رانیزی می دانیم که در بسیاری از سرمایه داری های دولتی ، تجارت خارجی و حتی قسمتی از تجارت داخلی " ملی " است . اما ملی شدن تجارت ، یا ملی شدن صنعت و بانک و غیره نیست که



## پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران



بقیماز صفحه قبل

ماهیت دولت رامعین می کند ، برعکس ماهیت روابط تولیدی در مرحله تکامل اجتماعی است که ماهیت ملی کردن ها رامعین می کند . اما تجدید نظر طلبانی چون حزب توده همواره خلاف این رامی گویند .

آقای وزیر بازرگانی علاوه بر القای این شجهه که گویا ملی کردن تجارت در حکم اقدامی سوسیالیستی است و برای این منظور حتی از مشکلات کار در چکسلواکی ، لهستان و مجارستان صحبت می کند ، قصد دارد حزب توده را به عنوان نماینده و میزان تمایلات چپ ایران معرفی کند تا به خیال خود مانع

نفوذ کمونیسم در میان توده ها گردد . در مصاحبه ای که مورد اشاره است ، حتی محض عوام فریبی هم که شده اشاره ای به مشکلات ناشی از تجارت خارجی در زندگی توده های مردم ، نمی شود . توده های مردم شاهدند که تجار بزرگ بازاری مسیب کمیایی ، نایابی و گرانی و حشمتناک کالا های مختلف مصرفی هستند اما در عوض خرده فروشان تهیدست شلاق می خورند . شاهدند که اگر بعضی سرمایه داران بزرگ صنعتی وابسته تا حدی صدمه دیدند ، تجار روز بروز فربه تر می شوند . چه کسی می تواند منکر شود که در طی یکسال ونیم اخیر بورژوازی - تجاری چه سود های کلانی که به جیب زده است و این سودها تنها با حمایت و پشتیبانی هیئت حاکمه از تجار و بازرگانان ثروتمند حاصل شده است . حتی کار بجائی رسیده که یکی از معاونان وزیر ، فشار ناشی از این تجار " مستضعف " بردوش مردم را چنین خلاصه می کند : حتی اگر واسطه ها " مسلمان " و " قانع " باشند ، در ساخت کونی تجارت خارجی و داخلی ، قیمت فروش به خاطر وجود همین واسطه ها ، حداقل ۹۰٪ افزایش می یابد . و به اختصار اشاره می کند که اجرای این قانون حتی در مورد ۳۰٪ از کالاها ، از طریق حذف واسطه ها ، " خدمت بزرگی به مردم است ."

اما مخاطب اصلی این مصاحبه توده های زحمتکش نیستند و هدف از اجرای این قانون نیز پائین آوردن قیمت برای مصرف کننده نهائی و رفع مشکلات توزیع کالاها نیست . مخاطب اصلی تجار و سرمایه داران بزرگ هستند و هدف اصلی کمک به حرکت سرمایه های متوسط در جهت تولید صنعتی است .

در این وانفسای بیکاری هزاران هزاران زحمتکشان ، آقای صدور همکارانش به خود زحمت نمی دهند که محض دلخوشی بیکاران ، ویند که مثلا هدف این قانون رفع بیکاری است ، نه ، آنها نیازی به پاسخ دادن به مردم در خود نمی بینند .

هدف از اجرای قانون دولتی کردن تجارت توسط خود مسئولان جمهوری اسلامی چنین بیان می شود : " هدف ما از ملی کردن (۱) سوق دادن مردم (یعنی تجار) از تجارت به طرف تولید است . " و " پس از تکمیل (اجرای) این قانون وارد کنندگان و توزیع کنندگان مجبورند (۱) یک کار تولیدی برای خود دست و پا کنند و به ایجاد صنایع کوچک و بزرگ بپردازند و " استعدادها (۱) متوجه تولید میشود ."

روز ۲۵ مرداد ۵۹ بانک مرکزی ایران ، قلمب شبکه اعتبارات اعلام کرد که دولت از طریق بانک های تجاری در امور تولیدی به سرمایه گذاری مستقیم و مشارکت دست خواهد زد و حتی الزامی نخواهد بود که میزان مشارکت بانکیها ، به حد ۴۹٪ سابق باشد و میتواند حتی تا ۷۰٪ افزایش یابد . این

روش البته در ظاهر تفاوتی با سیاستهای سابق ندارد ، اما اگر در رابطه دولتی کردن تجارت خارجی و اقداماتی نظیر آن مطرح گردد ، معلوم میشود که هدف از این رشته روشها همان است که " استعدادها (۱) متوجه تولید شوند ."

و اینک دولت بطور غیر مستقیم کسانی را که از مشارکت در کار تولیدی و صنعتی اکراه و حشمت دارند ، و ادارمی کند که با توجه به زمینه های مساعدی که فراهم آورد مرفه تر فته به سمت " تولید " بروند . هدف این قانون ، آزاد کردن سرمایه است اما آیا تجار " محترم " نیز این منطق را خواهند پذیرفت ؟ و " ملی کردن تجارت خارجی را تحمل خواهند کرد ؟

مسئولان وزارت بازرگانی در پاسخ این که چرا در اجرای قانون واصل ۴۴ تا خیر شده پس از ذکر یک رشته دلایل فنی می گویند که از همه مهمترین نگرانی خوابیدن بازاری بود . " و در ابتدای این مصاحبه به " حمله بازار " علیه قانون مزبور اشاره میشود که گویا این قانون به اعتقاد بازاریان " خیلی چپ است "

البته می توان پیش بینی کرد که بعضی بازاریان به مخالفت در برابر این قانون برخیزند . و می توان پیش بینی کرد که عده ای از اصلاح طلبان نیز این مخالفت را به حساب " مترقی " بودن قانون بگذارند و حتی مدعی شدند که این هم از امکانات گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم است . البته ما هم معتقدیم اجرای این قانون تا حدی که عملی میگردد موجب حرکت سرمایه در بخشهای دیگر اقتصاد میگردد و حتی از این لحاظ که ممکن است احیانا " دست یابی به کالاها را آسانتر و خود کالاها را برای مردم ارز تر کند ، نوعی رفم (اصلاح) است . اما مخالفت برخی بازاریان نمی تواند مانع از نسبت به ماهیت این قانون گمراه کند .

بسیار دیده ایم که نظام سرمایه داری برای حفظ موجودیت کلی خود مجبور می شود بخشی از سرمایه و سرمایه داران را قربانی کند و یا آنها را وادار سازد که مثلا به اشرافیت کارگری امتیازاتی بدهند تا حیات نظم سرمایه داری را حفظ کند . و اگر در مورد این قانون نیز چند تاجر ، خشک مغزی نشان دهند و نتوانند خود را با منطق حرکت سرمایه منطبق کنند ، باید تقصیر را به حساب خودشان نوشت و نه به حساب دولت سرمایه داری .

برای پرهیز از همین مخالفت ها و پرهیز از مشکلات فنی دیگر بود که اجرای اصل ۴۴ مدتی به تعویق افتاد . لازم بود که دولت با یک رشته اقدامات قبلی تا حد ممکن اعتماد بازاری را جلب کند و از کارشکنی های " غیر عاقلانه " آنان جلوگیری کند . آقای صدر حق دارد بگوید : " ما فکر می کردیم اگر همه واردات را در دست بگیریم و موفق نشویم ، با بحران مواجه خواهیم شد . " میتوان یاور کرد که وزیر بازرگانی روی بعضی تجار " مومن " و " متعهد " حساب می کند . یعنی توانسته خواهد توانست آنان را متقاعد کند . او می گوید : " بسیاری از این تجار داخلی که مومن و متعهد هستند ، حتی ما را تشویق می کنند و حاضرند که سرمایه خود را در صنایع بکار نندازند ."

علاوه بر این ممکن است تجاری باشند که با وجود رغبت به تولید و صنعت ، چون فضای سیاسی کشور را تثبیت نشده می یابند ، ترجیح دهند در همان حوزه های مالوف بمانند و با اجرای اصل ۴۴ مخالفت ورزند و یا به ملاحظه " مشکلات کارگری " حاضر نشوند به ایجاد کارخانه بپردازند . در واقع نقل و انتقال ارز از یک حساب به حساب دیگر بسیار آسانتر است تا حفظ کارخانه از جنگ مصا دره کارگران

کارشکنی تجار و واسطه گان خارجی را نیز نمی توان دست کم گرفت . آنها برای تهدید سیاسی حکومتی که لیاقت اجرای رفم را از خود بروز نداده ، از هیچ عملی فروگذار نمی کنند . اما این را به حساب ماهیت مترقی دولت نمی توان گذاشت . این راه می دانیم که مجریان اصل ۴۴ همان نمایندگان بورژوازی متوسط اند و این بخش بورژوازی نیز به ما مهربان نیست و بسته است و چاقو که دستها شرا نمی برد!

ببینید آقای صدر چگونه سالها را مطرح می کنند " بعد از آنکه بازرگانی ملی شد قانونی بتصویب شورای انقلاب رسید که از ۲۵ عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی ۲۲ نفر از سبب سوسی وزیرای بازرگانی و صنایع و معادن منصوب شدند ، . . . و نیز ۲۳ نفر دیگر از بخش خصوصی در جهت کمک به رشد بازرگانی خارجی انتخاب خواهند شد . " سواى اینک وزارت بازرگانی و صنایع معادن که از منافع سرمایه داران دفاع می کند و نمایندگان را به سمت هیات رئیسه اتاق بازرگانی تعیین می کند که دقیقاً " از موضوع بورژوازی حرکت می کنند به لحاظ اینکه حقیقی از بورژوازی خصوصی و تجار محترم! ضایع نشود در برابر ۲۲ نفر ، ۲۳ نفر نیز از بخش خصوصی انتخاب می شوند تا به رشد بازرگانی خارجی کمک کنند و حتماً همین آقایان مدافعین پروپا قرص اصل کذائی ۴۴ قانون اساسی هستند که فرمیستهای تودهای و کمیته مرکزی ، خواستار هر چه سریعتر ، اجرای آن از سوی دولت خرده بورژوازی! می باشند .

می توان تصور کرد که یکی از هدفهای ضمنی و مهم ملی کردن تجارت خارجی ، کمک به عملکرد قانون تعدیل سودهاست . در واقع هجوم سرمایه های ریز و درشت به بخش تجارت خارجی بویژه در سالهای اخیر و از قبل در آمدن نفت ، نه تنها نرخ سود این بخش را با سایر بخشها متعادل نکرد ، بلکه علت مکانیزم های مختلف ، سودزایی این بخش افزایش یافت بطوریکه اثری از کاهش هجوم سرمایه های تجاری دیده نمی شود و این امر موجب اعتراض صاحبان سرمایه های صنعتی می شد .

اما معاون وزیر وعده می دهد که " پیاده شدن این اصل (اصل ۴۴) نرخ سودهای بالای تجارت خارجی تقلیل می یابد و آقای صدر بیشتر توضیح می دهد و معلوم میشود که یکی از اهداف اجرای این قانون آن است که با پائین آمدن سود تجارت خارجی بین قیمت های وارداتی و قیمت های تمام شده کالا در داخل " تعادل ایجاد شود . " و همچنین با رفع واسطه ها " تعادلی در عرضه و تقاضا ایجاد گردد ."

البته اگر دولت هزینه تجارت خارجی را تقبل کند و " حقوق " وارد کنندگان را بپردازد و حتی اعانه (سوبسید) هم تحمل شود ، چنان که در مورد بعضی اقلام مثل گوشت و غیره عمل می کند ، می توان موجب تشویق تولید کالای مشابه در داخل شود و به کمک سرمایه داران صنعتی و داخلی بیاید . در مورد گوشت مرغ نیز دولت از طریق دیگر با حذف همین سوبسیدها توانست سرمایه را بسوی تولید گوشت سفید سوق دهد . بدین طریق و طرق دیگر دولت حتی با پرداخت هزینه از بودجه عمومی می تواند سرمایه ها را به عرضه تولید بکشانند .

این شیوه های شناخته شده سرمایه داری برای حفظ و تحکیم سرمایه داری ، نه دردی از توده ها دوام می کند و نه آنطور که همین مقامات ادعا می کنند ، " وابستگی " را از میان خواهد برد . اما همین شیوه های معمول نیز در این سرزمین در این بحران سیاسی اقتصادی کارگر نخواهد افتاد . جان سختی سرمایه تجاری از یک سو و امواج خروشان جنبش کارگری از سوی دیگر ، زمینه رگونه تا کنیک اصلاح طلبان نه را از سوی بورژوازی تنگ می کند .

باتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

# هشدار جمهوری اسلامی به سرمایه داران !!

بقیه از صفحه ۱

زنگده اقتصاد سرمایه داری وابسته انتظار این حرکت دیر یا زود میرفت. مساله از این قرار است که بورژوازی متوسط تنها امکان بقای خود در برابر نداشتن اقتصاد میداند. این مساله در تمامی صحبتها و سخنرانیهای مقامات مسئول مملکتی چه "حزبی" و چه "لیبرال" کاملاً دیده میشود. در عین حال هیئت حاکمه برای این عمل تنها یک راه را میداند (البته نه بعثت بی تجربگی در حکومت" بلکه بعثت ماهیت بورژوازی اش) این راه هم، بازسازی و ترمیم اقتصاد وابسته است. بهمین خاطر نیز دست به هر حرکتی میزنند: "ملی کردن صنایع و بانکها" که در حقیقت باز خرید بدهی آن ها از جیب "مستضعفین" و نجات آنان از ورشکستگی بود، عرصه دوباره سهام این صنایع تحت یا قفتمه "مردم" که همان سرمایه داران محترم باشند، برداخت و امه های کلان و کم بهره "موسسات صنعتی" که ما را هم همان سرمایه داران هستند، ایجاد تسهیلات گمرکی و ...

شده، کارخانها را از عناصر مترقی پاک میکند، سعی میکنند با منطقی کردن استخداام کارگران کارخانها را از نفوذ "مودیان" نیروهای مترقی حراست کنند، بالغوسودویژه در عین بالا بردن درجه استعمار و سود سرمایه داران دستت کارگران را از بیلان کارخانه و حساب و کتاب آن کوتاه می کنند و خلاصه "بهر حیل" سعی در جا شدن "دردل دوست" مینمایند. بعد از تمامی این حرکات برای ترغیب و تشویق سرمایه داران به بهره گیری از این خان نعمت به "شلاق" متوسل شده و به آنها "هشدار" میدهد.

ولی با بررسی کمی دقیق تر روشن میشود که بیسکویت و لسی سرمایه داران میخورند و لسی هیئت حاکمه در موقع شلاق زدن کارگران و زحمتکشان راه هدف قرار میدهد.

ضوابط اعلام شده "در این هشدار" به سرمایه داران برای "را هانندازی صنایع راکد" چنین است: "مرکز گسترش به مالک و یا مالکین بخوان سرمایه داران" اطلاع میدهد که در عرض دو ماه شروع به راه اندازی واحد تولیدی نمایند ("مرکز گسترش حتی الامکان سعی خواهد نمود که به مالک یا مالکین کمکهای لازم را برای راه اندازی واحد تولیدی بنماید" تا اینجای مساله بسیار روشن است یعنی سرمایه داران عزیز! زمینه های بهره روری سرمایه ما را دست لطفاً بفرمائید و مشغول شوید حتی اگر در این راه به کمکهای ناقابل چون وام های کم بهره - معافیت گمرکی و مالیات و ... احتیاج داشته باشید دولت در بی نداد و از جیب توده های این کمکها را به شما می کند.

این شیوه برخورد همان دولتی است که به شدید ترین وجهه شورا های کارگری را از دخالت در امر تولید و توزیع و مدیریت منع می کند و کارخانه های راکد را که اداره آن بر اثر مبارزات کارگران بدست شوراها می افتد سرعت تحت همه گونه فشار از قبیل جلوگیری از ورود مواد اولیه، نپرداختن وام، بایکوت کردن خرید محصولات و ... قرار میدهد. ولی از این به بعد اگر باز هم سرمایه داران روی خوش نشان ندادند "شلاق" به میان می آید. "در صورت عدم آمادگی مالکو

یا مالکین برای راه اندازی واحد تولیدی ... " میزان سرمایه حذف شد و به طور کلی بهای این واحدها توسط کارشناسانی که مورد قبول شورای عالی مرکز گسترش و مالک یا مالکین باشد تعیین می گردد. بعد از بهره برداری از واحدی مالک یا مالکین اصلی باز پرداخت میگردند.

اینهم "هشدار" و یا "تهدید" و "شلاق" هیئت حاکمه ضد امپریالیست (!) "پریکسر" سرمایه داران. خلاصه مطلب اینکه اگر سرمایه داران محترم با اینهمه امتیاز و ماده شدن زمین برای استعمار و چپاول کارگران و زحمتکشان باز هم سرمایه خود را "بخطر" نینداختند، برای تنبیه شان قیمت کارخانه توسط کارشناسانی که مورد قبولشان هم باشد تعیین شده و به آنها پرداخت می شود. تا با خیال راحت بروند و در کشورهای اروپایی به تفریح و تفریح بپردازند.

کارگران و زحمتکشان ما همه روز حمایت هیئت حاکمه از سرمایه داران را با گوشت و پوست خود لمس میکنند. آنها در "تجربیات عملی" خود می بینند که چطور هر جا صحبت از منافع کارگران و زحمتکشان و خواسته های آنهاست و هر جا پای ارگانهای واقعی کارگری چون شوراها و سندیکاها در میان است دولت با تمام ابزار خود به تخریب و سرکوب آنها می پردازد و در هر کجا که روی سخن با سرمایه دارانست و منافع آنها در میان می آید دولت با تعظیم و تکریم تمامی امکانها تشراف در اختیارشان می نهد تا زمینه استعمار و چپاول هر چه بهتر فراهم گردد.

آنها می بینند که دولت با تمام قوا می کشد سرمایه یوا بیستراهر چه بهتر و سریعتر بگردش در آورد. آنها در تجربه عملی خود در میابند مبارزه ضد امپریالیستی یعنی مبارزه با سرمایه وابسته، سرمایه داران وابسته و حاکمان منافع آنان و اینجا است که دیگر لقمه "تسخیر حاکمیت ضد امپریالیست" سازشکاران و فرصت طلبان را حتی با صدمن غسل نیز نخواهند خورد.

\*\*\*\*\*

بقیه از صفحه ۱۱

# پاسخ به سئوالات

دیالکتیکی با استراتژی انقلابی اهداف واحدی را دنبال نماید. یعنی دقیقاً در خدمت استراتژی انقلابی طبقه کارگر قرار گیرند. این نظریه از برخی جنبهها شبیه نظریات اپورتونیستهای است که لنین را بدلیل طرح دو شعار مختلف یکی برای جنبش طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی و دیگری برای کارگران کشورهای تحت سلطه متمم به "دو آلیسم" و نقض "مونیسیم" می نمودند و لنین در پاسخ به این اپورتونیستها نظیر پ. کیوسکی نشان داد که چگونه در کنار انسان از رفرمیسیم، فرمالیستی و لفظی می باشد و چرا بدلیل شرایط عینی (ایزکتیو) مختلف در این دو گروه کشورهای برای تحقیق "مونیسیم" ماتریالیستی باید شعار

های مختلفی طرح گردد. لنین سئوال می کند "آیا موقعیت واقعی کارگران ملل استمرگیا ملل ستمکش، از نقطه نظر مسئله ملی یکسان است؟" و پاسخ می دهد "نه یکسان نیست" و اضافه می کند "بدین ترتیب در واقعیت عینی در سرتاسر حرکت تفاوتی مشهود است، بدین معنی که یک "دوگانگی" در جهان عینی، مستقل از راه افراد، موجود است. حال چه نظری در باره سخنان پ. کیوسکی در باره "فراکسیون واحد انترناسیونال" میتوان ابراز داشت؟ اینها عبارات تو خالی و پسر برای اینک که اکسیون انترناسیونال که عملاً به کارگران متعلق به ملل ستمگر و کارگران ملل ستمکش تقسیم شده اند اکسیون واحدی، باشند تبلیغات در مورد اولی نمیتواند به همان شکل در مورد دومی باشد. پس باید از موضع "یکانگسی" واقعی (ونه دورینگی آن) از موضع ماتریالیسم مارکسیستی قضاوت نمود.

سیاست سازمان، در قبیل مبارزات خلقها شرکت همه جانبه در این مبارزات بمنظور ارتقاء آن تا سطح یک مبارزه طبقاتی است مبارزه علیه ستم ملی باید در روند گسترش و تکامل آن به مبارزه علیه هر گونه ستم طبقاتی و مبارزه علیه استثمار زحمتکشان تبدیل گردد. به اعتقاد ما وظیفه نام کونیستها

در شرایط کنونی ایجاد پیوند بین جنبش طبقه کارگر و خلقها می باشد. لنین در این مورد می گوید: "... اما در تبلیغات این پشتیبانی به این صورت خواهد بود که سوسیال دمکراتها از هر نمود ستمگری پلیسی حکومت مطلقه استفاده خواهند کرد و به کارگران نشان خواهند داد که چگونه این ستم به تمام افراد روس عمدتاً و به نمایندگان آن صفوف و ملیتها و مذاهب که تحت ستم هستند خصوصاً وارد می شود و چنانچه خاص این ستم در طبقه کارگر دارد."

باید به کارگران توضیح دهیم که حاکمیت کنونی در شرایطی که خلق کرد در سرکوب می کند بنوعی دیگر جلومبارزات بحق آنها را نیز میگیرد. همان حاکمیت سودویژه و راهبر که در واقع بخشی از ستمزدکارگران است حذف می نماید و اعتصابات و تحصن های او را غیر قانونی اعلام می کند. در این مورد که هدف ما از شرکت در جنگ نه مسئله سرنگونی حاکمیت بلکه ارتقاء مبارزات خلق کرد و دست یافتن به صلح دمکراتیک خلق کرد در چهارچوب انقلاب دمکراتیک توده های قابل وصول می باشد بتفصیل در سلسله مقالات در مورد کردستان توضیح داده شده است.

آنچه مسلم است اینکه بهر حال مبارزات خلقها بطور عینی جریان دارد و عدم حضور سازمانهای پرولتری هبیری این مبارزات را به جریانات غیر پرولتری می سپارد و از مضمون طبقاتی تهی میسازد. لنین در مقاله کاریکا توری از مارکسیسم می گوید: "هر ستم ملی در توده های وسیع خلق مقاومت پسر می انگیزد و اگر پیشتر مقاومت مردم تحت ستم ملی اما قیام ملی است. وقتی که ما غالباً تشخیص میدهم که بورژوازی ملی ملل ستمکش تنها به یار و سرائشی از قیام ملیستی می پردازند. در حقیقت در پشت سر و بر علیه خلق خود به مصالحه های ارتجاعی با بورژوازی ملت ستمگر مشغول می گردند پسر آنگاه، در چنین مواردی انتقاد مارکسیستها انقلابی نبایستی متوجه جنبش ملی باشد، بلکه باید بر علیه انحطاط آن، بی اعتبار نمودن و تبدیل آن به یک جنگ زرگری باشد."

# مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دمکراسی نیست



# درس هائی که از ۱۷ شهریور باید آموخت

در داد که "ای مردم بپاخیزید اسلام در خطر است" ، لیکن عمق بحران تمام این نیرنگ ها را بیرنگ می ساخت . کشتار ۱۷ شهریور و بدنبال آن اعلام حکومت نظامی نشان داد که دیگر حکومت کردن به شیوه های گذشته امکان پذیر نیست . نشانه های تکوین موقعیت انقلابی و برآمدن توده های ، آشکارتر میشد .

رژیم شاه و اربابان امپریالیستش کوردلانسه می اندیشیدند که با سرکوب نظامی و کشتار مردم بیگناه و برقراری حکومت نظامی میتوانند جلوی مبارزات رشد یابنده توده ها را سد نمایند . ولی جنبش توده های آنچنان پر خروش بود که این سرکوبها نتوانست آنرا بهر کوه و خمود کشانند ، بلکه با حدت بخشیدن به تضادهای درونی هیئت حاکمه و ارتش ، بحران سیاسی را دامنه زده جنبش توده های را عمق و گسترش بخشید .

دیگر نه سرکوب نظامی میتوانست جلوی رشد جنبش توده های را سد نماید و نه سازشکاری و طرح شعارها و شیوه های فرمیستی مبارزه توسط احزاب و رهبران متزلزل و محافظه کار قادر به مهار کردن جنبش بود ، توده ها بطور دم افزونی به صفوف جنبش کشیده می شدند و مبارزات توده ها هر روز و جویونی می یافت .

واقع ۱۷ شهریور هم چهره "ضد خلقی دولت شریف امامی و ارتش را برای توده ها آشکارتر ساخت و هم ماهیت رهبران و احزابی را عیان نمود که توده ها را به مبارزه مسالمت آمیز و آرام با رژیم دیکتاتور شاه دعوت می کردند ، توده ها در تجربه عملی خویش بدرستی دریافته اند که برخلاف تلقینات رهبران سازشکار جواب گل از جانب ارتش ضد خلقی همواره گلوله است ، و ارتش ضد خلقی برادر آن نیست .

توده ها در این روز تاریخی با دادن هزاران کشته و زخمی در سهای گرانبهائی برای جنبش آرزائی داشتند که برخی از آنها عبارتند از :

۱- ارتش ضد خلقی برادر مردم نیست .  
تا پیش از ۱۷ شهریور شعار "ارتش برادر است" از جانب رهبران طرح گردید و تبلیغ می شد . رهبران در روزهای قبل از ۱۷ شهریور توده ها را واداشتند که به ارتش ضد خلقی گل هدیه کنند اما توده ها در این تجربه تلخ تاریخی خویش دریافته اند که علیرغم ادعای رهبران و احزاب سازشکار ، ارتشی که با هزاران بند به امپریالیسم وابسته بوده دارای ساخت ماهیتا ضد انقلابی است ، برادر آنها نبوده و نمیشد . این ارتش بجز بازرگوب سرمایه داران و زمینداران و حفظ سلطه امپریالیسم چیز دیگری نیست . روند گسترش جنبش این حقیقت را تأیید نمود که یک ارتش ضد خلقی نمیتواند تغییر ماهیت داده و تبدیل به ارتش انقلابی گردد . با رشد جنبش در ارتش صف بندی ایجاد میگردد . نیرو های انقلابی درون ارتش (پرسنل انقلابی) جانب خلق را می گیرند و بخش دیگر جانب ضد خلق را . بتدریج این صف بندی مشخص تر شده و تجزیه در ارتش صورت می گیرد . این تجزیه در آغاز بصورت فرارهای فردی و جمعی پرسنل انقلابی ، سرپیچی از دستورات فرماندهان بالاتر و غیره نمود علنی پیدا می کند . نمونه های فراوانی از این قبیل را تا قبل از روزهای قیام میتوان مشاهده کرد . با گسترش جنبش شکافهای درون ارتش عمیقتر می شود تا بدانجا که در مقاطع حساس و نقاط عطف ، ارتش بدو بخش متمایز بزرگ روی در روی یکدیگر قرار می گیرند ، تجزیه می شود . روزهای قیام ، ما شاهد چنین تجزیه های در صفوف ارتش بودیم .  
سیاست انقلابی در مورد ارتش همانا ایجاد شکاف در

ارتش ضد خلقی ، کشاندن پرسنل انقلابی بسمت توده ها و اضمحلال کامل ارتش ضد خلقی و سازماندهی ارتش نوینی با شرکت توده های زحمتکش ، نیروهای انقلابی و پرسنل انقلابی با ساخت دمکراتیک و توده های می بود که می بایستی متکی به کارگران و سایر زحمتکشان باشد و از منافع آنان حمایت کند .

تنها چنین ارتشی میتوانست از منافع زحمتکشان دفاع نماید ، و بازرگوب سرمایه داران و زمینداران و بطور کلی طبقات ارتجاعی و حفظ سلطه اجتماعی آنان نباشد .

اما رهبرانی که شعار "ارتش برادر است" را تبلیغ میکردند و در روزهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه توده ها را از قیام منع می نمودند . نه تنها چنین نکردند (و نمیتوانستند هم بکنند) ، بلکه پرسنل انقلابی را زیر فشار قرار دادند و بسیاری از آنان را تصفیه کردند ، شورا های آنان را در درون ارتش یا متلاشی کردند و یا از مضمون انقلابی نهی ساختند . بلافاصله ارتش را "اسلامی" اعلام کرده مضمون از تعرض شناختند و بدینوسیله مانع تلاشی و اضمحلال آن گردیدند . به اصلاحات جزئی در ارتش بسنده کردند و با کم کردن فرماندهان جدیدی از همان قماش فرماندهان قبلی ( نظیر شاگرها و فلاحی ها و ... ) در ارتش تشریفه با زسازی و ترمیم ضربات وارد بر ارتش برداشتند و همان ساخت قبلی ارتش را حفظ کردند و هیچگونه تغییری اساسی و بنیادی در ماهیت آن بوجود نیاوردند .

بی جهت نیست که امروز نیز ارتش همچون گذشته خلق کرد و ترکمن را سرکوب می کند و زحمتکشان کرد ، ترکمن و ... را آماج گلوله های آمریکائی و اسرائیلی قرار میدهد . دهکده ها و شهرهای کردستان را بمباران کرده و زنان ، کودکان و مردان بیگناه را به خاک و خون میکشد . والبتنه تمام این اقدامات ضد انقلابی را تحت پوشش عوام فریبانه مبارزه با ضد انقلاب و عوامل امپریالیسم و بعث انجام می دهد و میکوشد خلق کرد ، ترکمن و ... را ضد انقلاب معرفی کند تا ماهیت ضد انقلابی ارتش را از چشم توده ها پنهان دارد .

این تبلیغات خاطره تبلیغات رژیم گذشته را در اذهان زنده می کند . رژیم گذشته نیز برای سرپوش نهادن بر سرکوبهای ضد انقلابی اش ، چنین تبلیغ می نمود که گویا مبارزات مردم نتیجه تحریک عوامل خارجی و خرابکاران است و قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ماه ۵۶ توطئه عوامل بعثی بوده و کسانیکه این قیام را بر سر راه انداخته اند از عراق آمده اند و یا عامل کشتار ۱۷ شهریور خرابکاران وابسته به "اجانب" هستند . اما همچنانکه تبلیغات رژیم گذشته نتوانست توده ها را بفریب دهد تبلیغات دروغین و اتهامات بی اساس به نیروهای انقلابی از جانب زمامداران کنونی نیز دیری نخواهد پایید . آری رهبرانی که "ارتش شاهنشاهی" را برادر مردم معرفی می کردند ، ارتش کنونی را نیز باید انقلابی وانمود سازند .

۲- سرکوبهای ارتجاعی نمیتواند مانع سقوط حکومت های ضد انقلابی گردد .  
دومین درسی که واقعه ۱۷ شهریور آموخت اینست که رژیم های ارتجاعی در برابر رشد جنبش توده های به سرکوب آشکار و نظامی متوسل می شوند . اما سرکوب ارتجاعی نیروهای انقلابی و توده های مردم نیز قادر نیست از سقوط و سرنگونی جبری آنان جلوگیری نماید . حکومتی که متکی بر اراده توده ها و مداخله منافع آنها نباشد ، محکوم به شکست است و هیچ تدبیر و تمهیدی

نمیتواند آنرا پابرجا سازد .  
رژیم دیکتاتور شاه ، کلیه آزادیها و حقوق دمکراتیک توده ها را پایمال نمود ، مبارزات مردم را وحشیانه سرکوب کرد ، انقلابیون را زندانی کرد ، شکنجه نمود و اعدام کرد ، هزاران نفر را بگلوله بست ، تظاهرات مردم را بخون کشید و ... اما سرانجام با نیروی توده های بپاخاسته بهزباله دان تاریخ سپرده شد و سرنگون گردید و این سر نوشت هم رژیمهای ارتجاعی است .

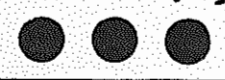
رژیم جمهوری اسلامی نیز که بنام توده ها و به نیروی توده ها به قدرت رسیده است ، گرچه در اشکالی متفاوت ولی بتدریج به همان شیوه ها متوسل میشود ، خلق کرد را سرکوب می کند ، خلق ترکمن را سرکوب می کند و ... کارگران را سرکوب می کند ، دهقانان را سرکوب می کند ، تظاهرات ، میتینگ ، راهپیمائی و اعتصاب و غیره را ممنوع اعلام می کند ، انقلابیون را دستگیر و زندانی می کند ، نشریات انقلابی را توقیف می کند ، ... با زیر پا نهادن دستاوردهای قیام در شهرهای مختلف فعالیت نیروهای انقلابی را ممنوع می کند و برای غیر قانونی کردن سازمانهای انقلابی زمین چینی می کند ، پرسنل انقلابی را اخراج می کند ، عناصر مترقی و انقلابی را از ادارات تصفیه و پاکسازی می کند شوراها را نابود می سازد و ... و در یک کلام به محو و نابودی حقوق و آزادیهای دمکراتیک توده ها گام برداشته است . اما همچنانکه تجربه همه خلقهای جهان و مردم میهنمان به ثبوت رسانده است این سیاست محکوم به شکست است .

۳- بدون منفرد ساختن نیروهای سازشکار و ناسیونالیست رهنبری طبقه کارگر پیروزی انقلاب میسر نیست .  
توده ها مبارزه کردند ، قهرمانیها فریدند ، فداکاریها کردند ، قیام نمودند و رژیم منقرض پهلوی را سرنگون ساختند اما سیستم سرمایه داری وابسته همچنان پابرجا است و توده ها به هیچیک از خواسته های اساسی خویش نرسیده اند .

ابتکار انقلابی و انرژی میلیونها توده زحمتکش بپاس خاسته که می باید در جهت نابودی سیستم و نظام استثمار سرمایه داری و بسط رهبری می شود در جهت ایجاد جامعه ای نوین بکار گرفته می شد ، به کجراه کشیده شد و نیروهای سازشکار توده های مردم را به سازش با امپریالیسم و بورژوازی وابسته سوق داده مانع نابودی سیستم سرمایه داری و وابسته و قطع کامل سلطه امپریالیسم گشتند . این نیروها همانگونه که با تبلیغ شعار "ارتش برادر است" توده های بیدفاع را به مسلخ رژیم دیکتاتور شاه روان ساختند و مانع تسلیح توده ها گشتند بهمانگونه که گسترش دامن قیام و نابودی دستگاه دولتی (ارتش و وزارتخانه ها) جلوگیری کردند .

سازمانهای کمونیستی بعثت ضعف و ناتوانی شان نتوانستند توده ها را از زیر نفوذ شعارها و رهبری نیرو های سازشکار برادر آورده و جنبش را در جهت اهداف استراتژیک رهبری کنند . صف و سیاست مستقل پرولتری در جنبش شکل نگرفت و در شرایط فقدان هژمونی پرولتری در جنبش خلق ، جنبش عظیم توده های به کجراه کشیده شد و انقلاب در نیمه راه متوقف ماند . تحولات اخیر یکبار دیگر این گفته استالین را به ثبوت رساند که :

در دوران انفجارات انقلابی خطرناک ترین نیروها احزاب سازشکار هستند .



## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱۲

# سیستم جدید بازرسی ارتش یا تومیم بخشی از ماشین تفتیش عقاید و سرکوب سرمایه داری

بقیه از صفحه ۳

## بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته

می یافتند، درهم شکستند و اعتماد و اعتقاد به این افراد و اصول راهنمای آنان فزونی یافت، چنانچه در انتخابات متعدد دشوارها علیه غم سپاه های شدید فالانژها و عوامل کارفرمایان و بیان صریح خود نمایند در مورد اصول اعتقاد... پیش با هم بیشترین آراء را می آورد (نمونهها بسیارند و از آن جمله می توان موارد زیر را در همین بهار یاد کرد: راه آهن تبریز و تهران، ماشین سازی، تراکتورسازی و کبریت تولیدی در تبریز، صنایع چوب تهران، ساکای تهران... و اخیرا کارکنان پخش نفت تهران) ۳- عقب ماندگی همیشگی جنبش کمونیستی از جنبش کارگری و دویدن مسدود به دنبال آن. به عبارت دقیق تر "سرفرود آوردن در مقابل جنبش خود بخودی با این تغییر اساسی که دیگر برای جنبش کمونیستی روشن شده است که مبارزه ایدئولوژیکی قاطع، صریح و بی امان جهت تدوین سیاست و برنامه راهیستی در دستور کارش قرار دهد.

نظامی همین ارتش سرکوب میشوند و هکدهها با توپ و خمپاره برادران مسلمان ارتشی!! درهم فرو می ریزند و بیگانه کودکان و زنان و نوجوانان روستا های کردستان با گلوله های مقدس و سرنیزه های مقدس سارتش و سپاه اسلامی به خون کشیده می شوند. وقتی در برابر چشمان مردمان های نظامی بلکه حتی کارگران بخش خصوصی راز بر نظارت نیروهای تفتیش عقاید و سرکوب و تصفیه ارتش قرار دهم و بسا ایجاد نظم و انضباط کذایی ارتش در واحدهای دولتی و خصوصی کارگران را به تولید هر چه بیشتر در جهت منافع اقتصادی و نظامی سرمایه داری نقش عمده داشتند زیر سرکوب همه جا نبرگرفت و خلاصه وقتی ارتش عمده ترین زمینه طرح و اجرای نقشه های امپریالیستی بر بستر توپخانه کودتا است "سمینار بررسی و تعیین سیستم جدید بازرسی در واحدهای نظامی" چیزی جز تقویت این زمینه بر بستر سلسله مراتب بورژوازی، تفتیش عقاید، کنترل پلیسی و فشار برز حمتکشان در واحدهای تولیدی ارتش برای افزایش تولیداتی که مشخصا در جهت سرکوب برادران و خواههران

همان زحمتکشان به کار گرفته می شود خواهد بود و این حقیقت وقتی بیشتر آشکار می شود که از زبان سرهنگ عزیز دیزچی رئیس اداره بازرسی وزارت دفاع می شنویم. "کارهایی که ما می کنیم این است که در واحدهای مختلف تولیدی ارتش نظم و انضباط را برقرار کنیم، کارهای یگان هازیر نظر و بازرسی ما قرار دارد. برای اینکه کارهای بازرسی در هم تداخل پیدا نکند و بازرسی اصولی تر باشد پوشش صحیحی قرار بگیرد ما باید بین ادارات بازرسی دولتی و حتی بخش خصوصی هماهنگی ایجاد کنیم". معنی واقعی این سخن آنست که نه تنها کارگران تولیدی واحد تولیدی خصوصی ندارد. سرهنگ عزیز دیزچی رئیس اداره بازرسی وزارت دفاع ملی وابسته مجبور کنیم با توجه به اینکه اکثریت نیروی یک ارتش بورژوازی را سربازان، درجه داران و افسران جزئی تشکیل میدهند کشته فرزندان مردمان محروم این جامعه بشمار می روند و با توجه به اینکه بسیاری از این نیروها طی جنبش انقلابی خلق های قهرمان ایران، بویژه قیام

خونین بهمن ماه، از آگاهی اجتماعی چشمگیری برخوردار شده اند، سیستم جدید بازرسی ارتش در واقع با ترمیم و تعمیر گوشه های ارتش آسیب دیده، هدف تفتیش عقاید، تفتیش عقیده، تصفیه پیگیر بر سنل انقلابی و ایجاد فضای خفقان نظامی و ایجاد محیط امن! در واحدهای تولیدی ارتش و واحدهای محاکمه کودتا چنان ثابت می کند که بسیاری از آنها در کردستان مردم را اگشتار کرده اند، کسانی که تا دیروز بعنوان نمایندگان مقدس ارتش اسلامی به مردم معرفی می شدند! وقتی علیه امکان کودتا در ارتش، ارتش همچنان دست نخورد باقی می ماند و تنها افرادی که در رابطه های اولیه و مشخص با کودتا بوده اند مورد محاکمه قرار می گیرند، در حالی که این ارتش، ما هیتا ارتشی ضد انقلابی و وابسته است و هم برای اساس بر دو کشور های ارتشی را که بر سنل انقلابی ارتش در آن و دبیر انجمن اسلامی ارتشیان، هر چند چهار واقعی خود را پشت هاله تقدس اسلامی پنهان داشته است ولی از گفته های ایشان میتوان چهره واقعی اؤز را باز شناخت. چهره های که چیزی جز

دفاع از منافع اقتصادی و نظامی سرمایه داری و استهوا تحکیم بورژوازی، آنهم از نوع جدید اسلامی آن! نیست. او به خبرنگار کیهان می گوید: "حال که انقلاب به شمر رسیده، ما باید به مظهر و پیش از ظرف توجه کنیم. باید مابه مسائل اخلاقی و اعتقادی توجه داشته باشیم". وقتی از او سؤال می شود آیا با ادارای دولتی و لویزیک ارتش همکاری دارید، می گوید: "بدون شک همکاری و هماهنگی باید بین آنها باشد". هنگامی که می بینیم اینگونه نهاد های بزرگ شده جاسوسی و تفتیش عقاید و تصفیه و سرکوب و مدعی نمایندگی منافع خلق در برابر چشمان حیرت زده مردم باز سازی می شوند به خلق های قهرمان ایران هشدار میدهم. ارتش همچنان با شکردهای گوناگون در جهت التیام و باز سازی پیکر ضربه دیده اش پیش می رود و تحت لوای ارتش اسلامی!! نقشه شوم سرکوب جنبش انقلابی خلق را از درون و بیرون حاکمیت و دیگر نهاد های سرکوب در دستور دارد.



# چرا یاران دیروزی با هم می جنگند؟

زحمتکشان با سواد و بی ادبی و بی احترامی و بی ادبانه ها در مقابل ما، در حالی که در این کشور با وجود اینکه ما همواره در پی پیشرفت و توسعه هستیم، در این کشور با وجود اینکه ما همواره در پی پیشرفت و توسعه هستیم... (Text continues with detailed analysis of the situation in Iran, mentioning the role of the military and the struggle for workers' rights.)

زحمتکشان با سواد و بی ادبی و بی احترامی و بی ادبانه ها در مقابل ما... (Text continues with detailed analysis of the situation in Iran, mentioning the role of the military and the struggle for workers' rights.)

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

# "قلعه نشینان یا خچی آباد" در اوج محرومیت

## پاسخ به سئوالات

کارگر تا سطح اعمال قهر انقلابی ارتقاء نیافته است. باید این مبارزات را مهار کرد و خلق را از آوارگی به تحویل سلاح و مبارزه مسالمت آمیز نمود و سیاست صبر و انتظار را توصیه کرد و حتی برای توجیه سازش طبقاتی با حاکمیت، به خلق کردار کینه افشانه هم زده میشود.

این دیدگاه درک علمی از مبنای اتخاذ تاکتیکها و روابط آنها با یکدیگر نداشته و قادر نیست رابطه صحیحی بین تاکتیکهای مختلف برقرار سازد. این دیدگاه وحدت تاکتیکها با یکدیگر و استراتژی را در یکسانی ظاهر و تاکتیکهای مختلف و نه در ارتباط و وحدت دیالکتیکی آنها با استراتژی و هدف واحد آنها می بیند و چنین استدلال می کند که باید در همه جا جنگید و از تاکتیکهای مسلحانه استفاده نمود.

این دیدگاه در هیچ جنبه‌ای به این تاکتیکها متوسل شد. یعنی اتخاذ تاکتیکهای مختلف را در یکسان بودنشان و نه در وحدت دیالکتیکی با استراتژی می داند. حال آنکه شرایط عینی (اثرکتیو) مختلف و گوناگون اتخاذ تاکتیکهای مختلف را الزام آور می سازد. چرا که تاکتیکها را نمیتوان بدون توجه جدی به سطوح و شکل مبارزات توده‌ها که به طور عینی در حال گسترش است، اتخاذ نمود و از آنجا که سطوح و شکل مبارزه توده‌ها در گسترش و سایر نقاط ایران با یکدیگر متفاوت است نمیتوان تاکتیکهای مشابه و یکسانی را در مناطق مختلف اتخاذ نمود و علمبر غم تنوع تاکتیکهای مختلف که در مناطق مختلف بکار گرفته میشود این تاکتیکها می باید دقیقاً در پیوند

سوال: روابط مبارزات خلق کرد و بکارگیری تاکتیک مسلحانه و ارتباط آن با مبارزات سایر نقاط ایران چگونه است؟  
آنچه از طرح سوال برداشت می شود مشکل چگونگی پیوند مبارزات زحمتکشان کردستان که عمدتاً شکل نظامی است با مبارزات سایر خلقها و طبقه کارگر که عمدتاً اشکال غیر نظامی دارد می باشد. ماطی سلسله مقالاتی در نشریه کار، رابطه جنبش طبقه کارگر و خلقها و موضع سازمان را در این زمینه توضیح دادیم و در اینجا برای روشن تر شدن مسئله فقط به چند نکته اشاره می کنیم.  
اصولاً در رابطه با مبارزات خلق کرد و دیدگاه انحرافی در سطح جنبش کمونیستی وجود دارد:

۱- دیدگاهی که این مبارزات را صرفاً در چهار چوب مسئله ملی ارزیابی می کند و معتقد است که از طریق جنگ در کردستان و بسا آنجا به مبارزه خلق کرد بدون پیوند این مبارزات با مبارزه سایر خلقها، بدون برقراری همزمنی طبقه کارگر، خلق کرد میتواند به خواسته‌های واقعی خویش دست یابد. این دیدگاه قادر به درک وظایف پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک توده‌های نیست و از آنجا که بر مسئله ملی تأکید یکجانبه داشته تا احوال خلق جزئی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا نمیداند، آن نظر را محکوم به شکست و در غلطیدن بسا ناسیونالیسم خرد بورژوازی و بورژوازی می باشد.

۲- دیدگاه دیگر مسئله ملی را جزئی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا می داند، اما معتقد است که چون مبارزات سرتاسری طبقه

حتی گاهی برای رفتن به مناطق با ایداز طویل عبور کرده همین دلیل در جماعتها به بیماری برای مردمان این منطقه در سطح بالائی است. در مانگاهی برای مراجعاً افراد این منطقه وجود ندارد فاصله آنها با اولیین در مانگه در نازی آباد بسیار دور میباشد.

حسن داوری معروف به حسن سبیل که در حال حاضر در بیمارستان مفرح اشتغال دارد نامی آشنا برای اهالی یا خچی آباد است این شخص مالک اراضی همین قلعه است علاوه بر این اراضی وسیعی از اطراف قلعه را نیز در اختیار دارد. و نه تنها آنجا را با این افراد که مالک اصلی آن هستند پسر نمی دهد بلکه با کمک دولت مشغول حفر چاه عمیق در آنجایی باشد. در پی وعده و وعیدهای دولت جهت تأمین مسکن چندین بار بولدورهای شهر داری برای خراب کردن این قلعه اقدام کرده که با مخالفت مردم روبرو شده اند و مردم میگویند: اول جابدهید بعد خراب کنید. با مراجعات مکرر اهالی به کمیته‌ها و سازمان مسکن و نخست وزیر و شهر داری قرار بر این شده است که به هر کدام از ساکنین ۱۰۰ متر زمین بدهند تا اهالی خود اقدام به ساختن آن نمایند. اما مردم به تجربه دریافته اند که نباید در پی وعده و وعیدهای دولت را خورد، و تازه علاوه بر آن، بی پول زیادی برای ساختن حتی یک خانه دو اتاقه نیازمندند و اینکار در شرایطی که اکثر اهالی از بیماری در رنج اند، امکان پذیر نیست. مصالح ساختمانی نایاب و بسیار گران قیمت اند. باین ترتیب و تحت چنین شرایطی توده‌های قلعه نشین یا خچی آباد، همه امیدهای اولیه خود را بر سر بدست آوردن ابتدائی ترین امکان سکونت از دست میدهند. اما در عوض چشم انداز تشکس، آگاهی و مبارزه برای بدست آوردن مسکن، در میان آنان هر روز بیشتر خود را می نمایاند.

رطوبتی هستند بطوریکه بعد از مدتی موجب بیماری استخوانی و رماتیسم ساکنین میگردد. گرانی سرسام آور ما محتاج زندگی و موج بیماری به فقر و فلاکت اینان را من زده است. پیرزنی که شوهر خود را از دست داده است و ۱۳ نومو بچه خود را سرپرستی می کند میگوید: ۹ سال است در این محل بسر میبرم و با فروش نان خشک و دم پاتی های پلاستیکی امرار معاش می کنم. این پیرزن در خانه‌های بالای شهر نیز کار می کند.

زن دیگری که شوهرش بیکار است و برای یافتن کار از خانه خارج شده بود میگوید: پسرم دیپلم دارد و بعد از گذراندن خدمت سربازی هنوز بیکار است و اشاره میکند، گاهی اوقات افرادی باین محله سر می زنند و بعنوان صدقه کمکهای بی ما می کنند اما ما که گدا نیستیم این حق مسلم ما است که از حداقل امکانات برخوردار شویم. بعد از انقلاب فقط مهندس بازرگان آنهم پارسال تا بیست سال یا سدار این جا را طواف کرد و بدون یک کلمه حرف گذاشت رفت. زن با چنان نفرت و خشمی حرف می زد و چنان به ساسی ترین مسائل انگشت می گذاشت که هر شنونده‌ای را به رشاد آگاهی سیاسی این مردمان زحمتکش واقف می گرداند.

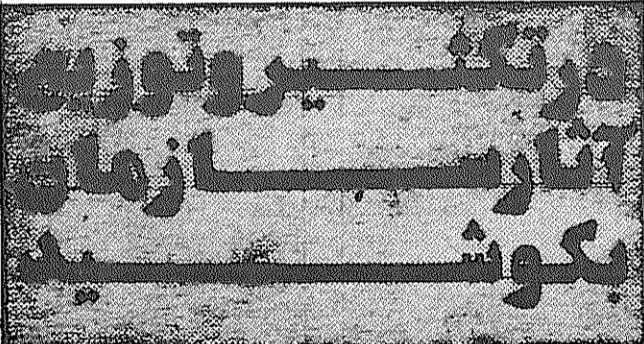
بچه‌های بجای کتاب خواندن در کتابخانه در داخل زباله‌ها و کاناال فاضلاب بدنبال یافتن اسباب بازی و... هستند. پدری که فرزندش ۲ سال پیش در فاضلاب غرق شده بود میگفت: کامیونهای شهر داری و دیگر کارخانجات اشغالها یا تهمانده های کارخانه‌ها را مثل کمپوت و کنسروهای فاسد و غیره در این محل خالی میکنند و بچه‌های ما آنها را می خورند و به بیماری‌های از قبیل مسمومیت غذائی و اسهال و... مبتلا شده تلف می شوند... در اطراف اطاقهای اکثر اهالی دام و طیور نگهداری می شود که

فقر، بدبختی، بیکاری، گرسنگی همیشه گریبانگیر محروم ترین توده مردم در جوامع طبقاتی است. ستمی را که پسر توده زحمتکشان می رود نمی توان کاملاً بروی کاغذ آورد. ولی میتوان در دستهای پینه بسته و چهره‌های آفتاب سوخته و در چین و چروکهای صورت آنان دید و با وج محرومیتشان پی برد. همین توده ستم دیده بودند که در قیام بهمن ماه چه قهرمانی ها و جانفشانی‌ها که کردند تا دیگر حلیی آبادها، یا خچی آبادها، زورآبادها و وجود نداشتند باشند و استعداد فرزندان شان در دخمه‌ها دفن نشود و همسران شان هر صبح برای رختشویی عازم شمال شهر نگردند. اما دیدند که دولت مردان جمهوری اسلامی نیز هنوز بر سر حفظ روابط ظالمانه و استثمارگران تلاش می کنند و بر آنان روا میشود که در گذشته میرفت؟

قلعه یا خچی آباد در ابتدای کوی سیزدهم بان و در کنار خیابان یادآوران قرار گرفته است. اطراف این محله را انبوهی از زباله‌ها و برگر فته و بوی فاضلاب پشت محله که از شمال شهر تهران جاری است و زباله‌های متعفن هر رگدزیرا مشتمل میکند. در این محله نمازناوائی خبری است و نماز مدرسه و نه محلی برای درمان. قلعه یا خچی آباد از دخمه‌های بنام اطاق تشکیل شده است که حدود ۱۰۰ سال از عمرشان می گذرد و اکنون ۷۰ خانوار ۱۳ نفری را در خود جای داده است.

دخمه‌های طاقی شکل این محله که بدلیل قدمت، اغلب از سقف ترک خورده اند نشانه‌ای از فقر بی حد مردمان ساکن این محله است. گسائیکه بخاطر امکان ریزش آوار هر لحظه چشم به سقف دوخته با مرگ دست به گریبانند.

دخمه‌ها که تمام آموزش ندگی یا خچی آبادیها در آن میگردد، با خشت و گل ساخته شده و بسیار



# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

### چند خبر کوتاه از کردستان

● پاسداران جمهوری اسلامی، با همکاری جاش‌های محلی در تاریخ ۵۹/۶/۱ یک نفر از مسئولین نظامی حزب دمکرات کردستان بنام سرگرد عباسی و دو نفر دیگر بنام‌های احمد چلبی و محمود صالحی را طی یک عمل تروریستی بقتل رساندند.

● اقدامات تروریستی هیئت حاکمه علیه خلق کرده‌ها، تنه‌ها، خللی در مبارزه آنها وارد نخواهد کرد، بلکه پیگیرانه ترو مصمم‌تر از همیشه در مقابل سیاست سرکوب و یورش هیئت حاکمه ایستادگی خواهند نمود.

● در روزهای ششم و هفتم شهریور، شهرمها با دزیرآتش رتس جمهوری اسلامی قرا گرفت که بر اثر شلیک خمپاره و توپ چند خانه و ساختمان‌ها نیز آتش گرفتند، چهار تن بشهادت رسیدند و سیزده نفر زخمی شدند.

● در آستانه حمله ارتش به مها، در روزهای اخیر، سلطانی معاون فرمانده پادگان مها با دکه نمیخواست هموطنان خود را بزرگبار گلوله خمپاره و توپ بگیرد، خود را به پیشمرگان حزب دمکرات تسلیم کرد.

● ارتش و سپاه پاسداران همچنان به کشتار و زحمتکشان بی دفاع و بیگناه کردستان مشغولند، در ادامه این سرکوبها چند روستای اطراف کامیاران با خمپاره منهدم شده است.

● بمناسبت سالگرد شهادت "کاک فواء" عضو کادر رهبری کومله، پیشمرگان این سازمان در کردستان، یک سلسله عملیات نظامی انجام دادند.

### سیستم جدید بازرسی ارتش یا

#### تومیم بخشی از ماشین قتییش عقاید و سرکوب سرمایه داری

روزنامه‌های تهران در شماره پنج شنبه ششم شهریور ماه پنجاه و نه تحت عنوان "سیستم جدید بازرسی روی تقوی و تخصص تکیه دارد" از سمینار بررسی و تعیین سیستم جدید بازرسی در واحدهای نظامی گزارشی کوتاه چاپ کرده است. با کمترین دقت پیداست که این سمینار با پرده پوشی بر ماهیت کلی ارتش بعنوان ماشین سرکوب بورژوازی (هر چند این ماشین دچار اختلال‌هایی جدی است) دو منظور عمده را دنبال می‌کند:

۱- نظارت بر "مکتبی کردن" ارتش

۲- نظارت بر اجرای نظم و انضباط در ارتش، بویژه در واحدهای تولیدی به منظور افزایش تولید!

وقتی کورسوانی اکثریت نزدیک به اتفاق سران ارتش با هزینه‌های افشاکری نیروها و سازمانهای انقلابی جامعه مدت‌هاست که به صدا درآمده است. وقتی دستور بشت دستور از سوی هیران و سران با نفوذ حاکمیت صادر می‌شود و تمام سازمان‌های نظامی و اداری ارتش به اطاعت کورکورانه که چیزی جز اطاعت از تصمیمات سران و ابستوه ضد خلقی ارتش نیست، فراخوانده می‌شوند. وقتی پرسنل انقلابی ارتش هر روز بیش از دیروز، زیر ضربه قرار می‌گیرند و خفقان نظامی هر چه بیشتر، بر ارتش سنگینی می‌کند.

وقتی خلق‌های قهرمان ایران بویژه خلق کرد با نقشه‌های بقیه در صفحه ۱۰

## چگونه رجائی سیاست اختناق و قتییش عقاید را توجیه می‌کند؟

رجائی نخست وزیر در "سمینار با آموزشی ایدئولوژیکی معلمین" در مورد تضعیف نیروهای انقلابی و سیاست اختناق و قتییش عقاید اظهار داشت: "ما نمیتوانیم به کسانی که غیرا سلامی هستند اجازه دهیم در مدارس ما نیکه ما نند مساجد میمانندند. اذ آن گویی و پیشنمازی بپردازند. مانمی نوانیم از افرادی که بینش ما دی‌ارند و به اندیشه‌های ایزازی معتقدند، این انتظار را داشته باشیم تا بینش‌های انسانی را تعلیم دهند." (نقل از جمهوری اسلامی - شنبه ۱۵ شهریور).

آقای رجائی بمنظور توجیه سیاستهای ضد انقلابی خود در زمینه اخراج نیروهای انقلابی و اعمال سیاست اختناق و قتییش عقاید در وزارت آموزش و پرورش، با توجه به احساسات مذهبی توده‌های مسردم، پوششی اسلامی برای این سیاست‌های خود برگزیده است تا عوام مغربانه تر بتوانند بمنافع سرمایه‌داران و حفظ سیستم موجود خدمت کنند. اینکه جناب نخست وزیر سیاست خصمانه‌ای نسبت به نیروهای انقلابی و مترقی در پیش گرفته جای هیچگونه تعجبی نیست. دولتی که از منافع سرمایه‌داران دفاع میکند، از آگاهی و بیداری سیاسی توده‌ها هراس دارد و طبیعتاً است اجازت ندهد که معلمین انقلابی و مترقی در آموزش و پرورش در جهت بیداری و آگاهی فرزندان زحمتکشان گام بردارند. این سیاست همه دولت‌ها غی است که از منافع طبقات ستمگر، زالو مقتان سرمایه‌داران دفاع میکنند. همه این

دولت‌ها بسته بشرايط، به اشکال مختلف این سیاست را پیش می‌برند. رژیم شاه هر نیروی مخالفی را اعم از ما رکسیست لنینیست‌ها و یا نیروهای ملی، از آموزش و پرورش اخراج میکرد، بزرگان مینداخت رژیم ترور و خفقان حاکم کرده بسود و کوشش‌های معلمین مبارزان آگاه را در جهت آگاهی و بیداری دانش‌آموزان بشدت سرکوب میکرد. او بمنظور تامین منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران، شیوه‌های آشکار سرکوب را برگزیده بود، اما معلمین مبارزان علیرغم تمام فشار و سرکوب بمبارزه خود علیه رژیم شاه ادامه دادند و در جهت آگاهی دانش‌آموزان نوه‌ها توده‌های مردم گام برداشتند. رژیم شاه علیرغم تمام تدابیر و سیاست‌های سرکوبگرانه خود نتوانست مانع آگاهی و مبارزه توده‌ها شود و سرانجام بندست توده‌ها بگور سپرده شد.

اما آقای رجائی با توجه بشرايط موجود، برای پیشبرد سیاست‌های ضد انقلابی خود و مقابله با آگاهی و بیداری توده‌ها به شیوه‌های ظریف تر و عوام مغربانه‌تری متوسل میشود. او از اعتماد ناآگاهانه توده‌ها به حاکمیت و اعتقادات مذهبی آنها سوءاستفاده میکند، بنام اسلام نیروهای انقلابی و مترقی را تضعیف میکند، سیاست اختناق و قتییش عقاید را در آموزش و پرورش پیش می‌برد و از رشد آگاهی و بیداری سیاسی فرزندان زحمتکشان جلوگیری می‌کند تا با توجه بشرايط حاکم منافس سرمایه‌داران را تا مین‌کند.

مگر کمونیست‌ها چه میگویند که آقای رجائی اینچنین از حضور آنها در آموزش و پرورش وحشت دارد، آنها به فرزندان زحمتکشان می‌آموزند که تمام می‌بختیها فقر و فلاکت، بیکاری و گرسنگی ناشی از نظام طبقاتی است، باید سیستم سرمایه داری را برانداخت تا بید پیگیرانه در جهت قطع سلطه امپریالیسم و بونداختن هرگونه وابستگی مبارزه کرد. طبیعی است که هر کسی مخالف برانداختن نظام سرمایه داری و یا قطع سلطه امپریالیسم و وابستگی باشد، با کمونیست‌ها دشمن است. آقای رجائی تنها با کمونیست‌ها دشمن نیست او با هر نیروی انقلابی مخالف است. مگر ما هدین خلق کمونیست هستند که هواداران آنها نیز از آموزش و پرورش تصفیه میشوند و علیه آنها نیز تضييقاتی اعمال میشود؟ همه میدانیم که چنین نیست. پس مسأله اسلام مطرح نیست بلکه وظیفه آقای رجائی مبارزه با هر نیروی انقلابی و هر ایدئولوژی مترقی در مقابل سرمایه‌داران و ایدئولوژی و رشکسته و ارتجاعی آنها است. اما آقای رجائی یک مسأله را فراموش کرده است و آن اینست که توده‌های زحمتکش همین مابیک دوره تلاطم انقلابی را پشت سر گذارده‌اند و سطح آگاهی آنان بسیار بالا رفته است. بنابراین شیوه‌های عوام مغربانه ایشان چندان نمی‌تواند و معلمین مبارز و انقلابی تحت هر شرايطی ولو دشوارترین شرايط، وظیفه خود را در جهت بیداری و آگاهی فرزندان زحمتکشان انجام خواهند داد.

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر